



از بندر شهید رجایی تا کرملین

پوتین و پزشک‌یان اجرای طرح‌های مشترک در حمل‌ونقل و انرژی را محور همکاری دانستند



ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه، در گفت‌وگویی تلفنی با مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور ایران، ضمن ابراز همدردی مجدد بابت حادثه انفجار در بندر شهید رجایی، بر تقویت همکاری‌های دوجانبه تأکید کرد. پوتین در این تماس، مراتب تسلیت خود را به دلیل جان‌باختن تعدادی از شهروندان ایرانی در حادثه بندر شهید رجایی اعلام کرد. در مقابل، رئیس‌جمهور ایران از ابراز همدردی روسیه قدردانی کرد. پزشکیان همچنین با اشاره به هشتادمین سالگرد پیروزی روسیه، این روز را به رئیس‌جمهور و مردم آن کشور تبریک گفت. دو طرف در این گفت‌وگوی تلفنی، روند توسعه همکاری‌های دوجانبه در چارچوب توافق‌نامه مشارکت راهبردی جامع را بررسی کردند؛ توافقی که در جریان سفر رسمی رئیس‌جمهور ایران به مسکو در ۱۷ ژانویه ۲۰۲۵ به امضا رسیده بود. تأکید ویژه بر گسترش مناسبات تجاری و سرمایه‌گذاری از جمله در حوزه‌های انرژی و حمل‌ونقل بود. در این گفت‌وگو همچنین آخرین تحولات منطقه‌ای و بین‌المللی، از جمله روند مذاکرات هسته‌ای ایران و آمریکا با میانجی‌گری عمان، مورد تبادل نظر قرار گرفت. طرف روسی بار دیگر بر آمادگی خود برای حمایت از پیشبرد این گفت‌وگوها در چارچوب حقوق بین‌الملل تأکید کرد. روسای جمهور ایران و روسیه بر عزم خود برای افزایش هماهنگی در سیاست خارجی و تقویت عملی همکاری‌های دوجانبه تأکید کردند.

می‌خواهیم بنگاه اقتصادی را اداره کنیم، نه جناح سیاسی را

رئیس‌جمهور در اجلاس مجلس خبرگان با انتقاد از سهم‌خواهی‌های جناحی در انتصابات گفت: چرا کسی از عملکرد مدیر نمی‌پرسد؟



رئیس‌جمهور در اجلاس‌به سوم دوره ششمین مجلس خبرگان رهبری با انتقاد از نگاه‌های جناحی در مدیریت کشور گفت: «چرا هیچ‌کس نمی‌پرسد این مدیر چه عملکردی داشته، فقط می‌گویند چرا نظر سیاسی یا جناحی او فلان‌طور بوده‌است.» مسعود پزشکیان با تأکید بر لزوم اصلاح رویکردها نسبت به اختلافات سیاسی و مدیریتی اظهار کرد: «هیچ‌کس بی‌عیب نیست، من هم معصوم نیستم، امانیت و اراده‌این است که برای ایران، دین، باور و راستی تلاش کنم. اگر می‌خواهید کمک کنید، بیایدد کمک کنید تا این راهی که می‌گوییم، در عمل پیاده شود. با دستور و فریاد که چیزی در دست نمی‌شود. اگر کسی حرفی دارد، در عمل نشان بدهد. نشان بدهید چه باید کرد و چه نباید کرد.» پزشکیان همچنین تصریح کرد: «اگر کشور قرار است اصلاح شود، این مسیر فقط از طریق نتخبگان ممکن است. کسی که تنها ادعای مسلمانی دارد اما کار بلد نیست، در عمل به کشور خیانت می‌کند. تقوا یعنی تصمیم‌گیری درست، اجرا با بهره‌وری و حرکت برای خدا. کسی که ۱۰ تومان می‌گیرد و ۱۰۰ تومان هزینه می‌تراشد، متقی نیست.» او با دعوت از همه توانمندان برای ورود به عرصه مدیریت افزود: «دولت آماده‌است به افراد توانمند مسئولیت واگذار کند. هر کس ادعا دارد که می‌تواند محله‌ای را مدیریت کند، معیشت مردم را سامان دهد، فرهنگ منطقه را ارتقا دهد، بیاید و مسئولیت بگیرد. رقابت باید در خدمت باشد، نه در قدرت. دعوا نکنیم که چه کسی کجاست، هر کس اهل کار است بیاید میدان را به دست بگیرد.» پزشکیان درباره فشارهای سیاسی بر انتصابات گفت: «نزدیک به ۷۰ تا ۱۰۰ بنگاه و شرکت زیر نظر تأمین اجتماعی داریم. تا می‌خواهیم تر کیب هیئت‌مدیره را تغییر دهیم، می‌گویند تو فلانی را گذاشتی، چرا این یکی را برداشتی، چرا حزب‌اللهی نیست، چرا مذهبی نیست، شما بفرمایید چه کسی را بگذارم، من همان را می‌گذارم، اما این بنگاه نباید ضرر بدهد.» وی تأکید کرد: «وقتی می‌خواهیم مدیری را تغییر دهیم، حرف‌هایی زده می‌شود که چه گذاشتی، راست برداشتی، مذهبی گذاشتی، غیرمذهبی برداشتی؛ من می‌خواهم بنگاه اقتصادی اداره کنند، نه جناح سیاسی. هر کس بلد است اداره کند، بسم‌الله، پیامبر اکرم وقتی بت‌های کعبه را شکست، کلید را داد به همان کسی که تا آن روز مسئول نگهداری بت‌ها بود، چون بلد بود چطور در کعبه را باز کند.» او افزود: «لا این تفکر وجود دارد که چون ما مدهایم، باید حتماً فلانی مدیر باشد، حتی اگر بلد نیست. این خیانت به منابع کشور است. قانون، سیاست‌های کلان و چشم‌اندازی که از سوی مقام معظم رهبری تعیین شده، باید اجرا شوند. هر کس این مسیر را اجرا کند، ما به او کار می‌دهیم، اگر اجرا نکرد، نمی‌دهیم.»

حمله به بن گوریون؛

تغییر موازنه قدرت در منطقه

شمخانی: مقاومت اکنون ابتکار عمل را در دست دارد

علی شمخانی، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام، در توییتی به حمله موشکی اخیر انصارالله به فرودگاه بن گوریون اسرائیل واکنش نشان داد. او نوشت: «اصابت موشک‌های انصارالله به بن گوریون ستون روانی امنیت اسرائیل را لرزاند. این حمله از صنعا، ضربه‌ای استراتژیک به توهم افول مقاومت بود؛ جبهه‌ای که از لبنان و غزه تا عراق و صنعا ضمن تداوم حیات بالنده، اکنون ابتکار عمل را نیز در اختیار دارد.»



علی شمخانی
@alishamkhanijr

اصابت موشک‌های #انصارالله به #بن‌گوریون ستون روانی امنیت #اسرائیل را لرزاند. این حمله از صنعا، ضربه‌ای استراتژیک به توهم افول #مقاومت بود؛ جبهه‌ای که از لبنان و غزه تا عراق و صنعا ضمن تداوم حیات بالنده، اکنون ابتکار عمل را نیز در اختیار دارد.

ایران فراتر از جغرافیا؛ باز تعریف یک ملت در جهان امروز
در گفت‌وگو با احمد مسجد جامعی، پژوهشگر حوزه فرهنگ

ایران فرهنگی زنده‌تر از همیشه

- مسجدجامعی می‌گوید ایران فقط یک جغرافیا نیست بلکه فرهنگی است که در ذهن و زندگی جهانیان حضور دارد
- فرهنگ ایرانی در برابر سیاست‌زدگی مقاومت کرده و حتی در سخت‌ترین شرایط هم راه خود را ادامه داده است

گروه سیاست

احمد مسجدجامعی، پژوهشگر حوزه اجتماعی و فرهنگی، وزیر فرهنگ دولت اصلاحات و عضو سابق شورای شهر تهران، در گفت‌وگویی صمیمانه با هفت صبح از چهره‌های چندلا به ایران سخن گفت: از ایران جغرافیایی تا ایران اندیشه، روایت او، روایتی است از کشوری که هم در کوچه‌های تهران حضور دارد، هم در صحنه‌های جهانی سینما، هم در حافظه شاعران بزرگ جهان و هم در آرامستان‌های اقلیت‌های دینی در پایتخت.

او می‌گوید: «ببینید، ما فیلسوفان و شاعران و هنرمندانی داریم که آثارشان در جهان اسلام، غرب و در آسیا تدریس و مطالعه می‌شود. ابن‌سینا، فارابی، حافظ، سعدی، مولوی، همه حامل یک تفکر هستند. تفکری که الهام‌بخش است و وجه انسانی آن بسیار پررنگ است.» مسجدجامعی در این بخش، حافظ را مثال می‌زند که در آلمان تندیسیش را در وایمار ساخته‌اند یا سعدی را که نامش از دیرباز در خیابان‌های پاریس جا گرفته. اشاره می‌کند به موج جهانی محبوبیت مولسو در دو دهه گذشته و اینکه نویسندگان بزرگ آمریکای لاتین حتی روایت‌های داستانی‌شان را بر پایه مثنوی بازنویسی کرده‌اند.

«ایران اندیشه» در سینما متجلی است

«شما ببینید سینمای ایران چقدر در دنیا تأثیرگذار بوده. هر جشنواره مهم جهانی را نگاه کنید، ایران همیشه حضوری جدی داشته. سینمای ایران جایزه گرفته، تحسین شده، اثرگذار بوده.» احمد مسجدجامعی با اشاره به موفقیت‌های جهانی کارگردان‌هایی چون اصغر فرهادی، تأکید می‌کند: «در اینجا تکنولوژی سینما را وارد کرده‌ایم اما اندیشه پشت فیلم‌ها بومی است. فیلم‌هایی که در فضای بین‌المللی موفق می‌شوند، حامل همان جهان‌بینی ایرانی هستند؛ همان شعر و فرهنگ که حالا در قالب تصویر روایت می‌شود.» برای مسجدجامعی، شعر فقط قالب کلاسیک آن نیست. شعر در نگاه او به مفهوم زیبایی‌شناسی ایرانی است که

زبان فارسی، یک قلمرو فرهنگی

به گفته مسجدجامعی، زبان فارسی عامل مهمی در شکل‌گیری ایران فرهنگی است: «افغانستان، تاجیکستان، ازبکستان، بخش‌هایی از هند و پاکستان تا چین؛ همه اینها در قلمرو زبان فارسی هستند. حتی فراتر از آسیا، در مهاجرت‌های گسترده ایرانیان به اروپا و آمریکا، قلمرو جدیدی برای زبان فارسی شکل گرفته است.» اما در کنار زبان، او از «ایران‌اندیشه» سخن می‌گوید؛ ایرانی که به گفته‌اش «در ذهن و ضمیر ملت‌ها حضور دارد، حتی اگر ایرانی نباشند.»

گزارش تحلیلی

درباره غذا خوردن در رستوران‌ها که به ابزاری برای نمایش موقعیت اجتماعی

در جامعه امروز تبدیل شده است

غذا در نقش سخنگوی طبقاتی

در جوامع نابرابر غذا خوردن دیگر فقط رفح گر سبکی نیست، بیانیه‌ای اجتماعی است



بابک نبی

دبیر گروه سیاست

غذا، در نگاه اول امری شخصی و روزمره است. سه وعده ساده برای رفع گرسنگی. اما واقعیت این است که غذا، بسیار فراتر از خوراک است؛ بخشی از زبان اجتماعی، نشانه‌ای از موقعیت و گاه ابزار کنش سیاسی. در جوامعی که شکاف طبقاتی عمیق شده، انتخاب غذا، محل خوردن آن، نوع سرویس دهی و حتی اشتراک آن در شبکه‌های اجتماعی، تبدیل می‌شود به نمایش موقعیت و گاه اعتراض پنهان. در ایران امروز، رستوران‌گردی دیگر فقط تجربه طعم نیست؛ نوعی طبقه‌نمایی ست. گاهی آگاهانه، گاهی بی‌آنکه فرد بداند.

بگذارید ساده‌تر بگوییم: در شرایطی که بخش بزرگی از جامعه درگیر دغدغه‌های معیشتی است، غذا خوردن در یک رستوران لوکس، بیش از آنکه یک «وعده غذایی» باشد، تبدیل می‌شود به یک «کنش نمادین». لباسی که برای رفتن انتخاب می‌شود، میز و صندلی‌ای که رزرو شده، غذای سفارش داده‌شده و حتی عکسی که از آن گرفته و منتشر می‌شود، هر کدام و منتشر می‌شود، هر کدام نشانه‌هایی از یک روایت اجتماعی سیاسی است؛ اینکه «کجای جامعه ایستاده‌ام؟» «چه

بگذارید ساده‌تر بگوییم: در شرایطی که بخش بزرگی از جامعه درگیر دغدغه‌های معیشتی است، غذا خوردن در یک رستوران لوکس، بیش از آنکه یک «وعده غذایی» باشد، تبدیل می‌شود به یک «کنش نمادین». لباسی که برای رفتن انتخاب می‌شود، میز و صندلی‌ای که رزرو شده، غذای سفارش داده‌شده و حتی عکسی که از آن گرفته و منتشر می‌شود، هر کدام و منتشر می‌شود، هر کدام نشانه‌هایی از یک روایت اجتماعی سیاسی است؛ اینکه «کجای جامعه ایستاده‌ام؟» «چه

نسبتی با قدرت یا ثروت دارم؟» و شاید مهم‌تر از همه: «چرا دیده‌شدن برایم مهم است؟»

غذا به مثابه تماز اجتماعی

پی‌بروردیو، جامعه‌شناس فرانسوی، سال‌ها پیش در کتاب «تماز» درباره «ذائقه» به‌عنوان ابزار طبقه‌بندی سخن گفت. از نگاه او، سلیقه غذایی، فقط ترجیح شخصی نیست، بلکه برآمده از طبقه اجتماعی است. کسی که استیک می‌خورد یا کسی که کوبیده می‌خواهد، در واقع دو سبک زندگی متفاوت را نمایندگی می‌کنند. این تماز، در میدان عمومی امروز ایران، با سرعت شبکه‌های اجتماعی بر جسته‌تر هم شده. کافی ست نگاهی به صفحات اینستاگرامی یا پلتفرم‌های غذایی ببیند؛ معرف رستوران‌ها با تأکید بر «وی‌ای بی بودن»، «سرو متفاوت»، «چیدمان خاص»، «قیمت بالا». این‌ها نه صرفاً اطلاعات مفید برای انتخاب‌کرد در بسیاری موارد، نشانه‌های تلقی به یک طبقه‌اند. این غذاها خورده نمی‌شوند، بلکه به نمایش گذاشته می‌شوند. تماشا مهم‌تر از طعم شده است. تجربه، بدون اشتراک، ناقص به‌نظر می‌رسد.

وقتی غذا اعتراضی می‌شود

اما آن سوی این نمایش، چهره دیگری از غذا نیز وجود دارد؛ غذا به‌عنوان مقاومت. کافی‌ست به برخی جنبش‌های جهانی نگاه کنیم؛ از تحریم برندهای خاص توسط مصرف‌کنندگان گرفته تا راه‌اندازی کمپین‌های غذا خوردن سساده برای

در معماری، نقاشی، موسیقی و حتی سینما با تآب دارد.

شعری که در پشت چراغ قرمز فروخته می‌شود

روایتی که او از فال فروش کودک در پشت چراغ قرمز تعریف می‌کند، مثالی از همین جهان‌بینی است: «فیلمی بود که در آن کودکی در پشت چراغ قرمز بسته‌هایی را به مسافران می‌فروخت. در ابتدا همه مخاطبان غربی فکر کردند پای یک شبکه قاچاق کودکان در میان است. بعد که دقت کردند دیدند این کودک شعر حافظ می‌فروشد؛ فال حافظ. این حیرت‌آور بود. در کجای جهان شعر را می‌خرند و می‌فروشند؟» به گفته او، این نشانه فقر نیست که یک نشانه فرهنگی است که در لایه‌های زندگی مردم جریان دارد، حتی در سخت‌ترین شرایط.

ایران، فرهنگی که از سانسور هم عبور کرده

مسجدجامعی با اشاره به مقاومت فرهنگ در برابر سیاست‌زدگی می‌گوید: «فرهنگ راه خودش را پیدا می‌کند. روزگاری موسیقی در ایران ممنوع بود. بعد پاپ شد مسئله، بعد هم سمفونی. یادم هست وقتی اولین سمفونی خصوصی را اجرا کردیم، چه مخالفت‌هایی شد. روزنامه‌های رسمی آن زمان تیرهایی زدند که سنگ را باز گذاشته‌اند و سنگ را بسته‌اند. اما همین موسیقی ماند، رشد کرد، مورد استقبال قرار گرفت. فرهنگ ایران اینگونه است؛ آرام، عمیق، اما پابرجا.»

فردوسی را حذف نکردند، چون نشد

«همین فردوسی. روزگاری بعضی گفتند شاهنامه فقط درباره شاهان است. حتی کسانی بودند که می‌گفتند اگر در زمان ما بود، او را در گزینش رد می‌کردند. اما ببینید امروز از

میدان آزادی تا جاده دماوند، تنها نام فردوسی و مجسمه‌اش بدون تغییر باقی مانده.» او تأکید می‌کند که فرهنگ ایرانی چیزی نیست که به راحتی جابه‌جا شود: «عده‌ای فکر می‌کردند اگر ۲۰۰ استاد را بردارند و ۲۰۰ استاد دیگر بیاورند، هیچ اتفاقی نمی‌افتد. در حالی که پشت هر نام و اثر فرهنگی، یک تاریخ ایستاده؛ هزاران سال فرهنگ.»

تهران؛ ایران در ابعاد یک شهر

تهران در نگاه مسجدجامعی خلاصه‌ای از ایران است: «اگر به نقشه‌های قدیم تهران نگاه کنید، می‌بینید که هر قومی، هر شهر و دیاری در این شهر؛ کوچه، تکیه یا حسینیه‌ای داشته. تهران نماینده همه ایران است. از شمال و جنوب و غرب و شرق» او از آرایش مشاغل سنتی مثال می‌زند: «نانواها از خراسان آمده‌اند، معمارها یزدی‌اند، سلمانی‌ها شمالی‌اند. یعنی همه ایران آمده‌اند تا تهران شکل بگیرد.»

تهران حتی در ساختارهای اجتماعی‌اش هم این ترکیب را حفظ کرده: «خانواده‌هایی که از مرزها آمده‌اند، از عثمانی یا قفقاز. کسانی که از نامنی‌ها گریخته‌اند و در تهران مستقر شده‌اند. هر کدام با فرهنگ و سنت خود، تهران را تکمیل کرده‌اند.»

تهران؛ جایی برای همزیستی ادیان

مسجدجامعی از آرامستان‌های دولاب یاد می‌کند: «در یکی از این گورستان‌ها دیدم که یک زن و شوهر از دو دین مختلف، وصیت کرده‌اند کنار هم دفن شوند. یکی مسلمان، دیگری غیرمسلمان. راه‌حلی پیدا شده که هم کنار هم باشند، هم باورهایشان حفظ شود. اینها چیزهای کوچکی نیست.» او از کلیسای مینیاتوری در همان گورستان می‌گوید؛ اثری هنری و مذهبی که یادگار مهاجری است که با علاقه به دین و شهر خود، وصیت کرده تا بر مزارش بنایی بسازند.



در خیابان سی‌تیر، به گفته او، «همه ادیان اماکن مذهبی دارند. در کنار هم. بی‌هیچ مزاحمتی، بی‌هیچ دخالتی. این احترام متقابل، بخش مهمی از فرهنگ ایرانی است. ظرفیت گفت‌وگو، خلاقیت می‌آورد.»

ایران فرهنگی؛ سرمایه‌ای برای جهان

مسجدجامعی ایران فرهنگی را نه صرفاً میراث که آینده می‌داند. از نگاه او، این فرهنگ است که در معماری، شعر، موسیقی و در مناسبت‌ها خود را نشان می‌دهد. همان فرهنگی که در برابر حذف‌ها مقاومت کرده، در برابر تنگ‌نظری‌ها ایستاده و امروز حتی در جهان بیشتر شنیده می‌شود. او می‌گوید: «آلان دیگر کسی نمی‌تواند خود را نشان می‌دهد. سال‌ها پیش درباره نوروز تردیدهایی مطرح شد. برخی می‌خواستند آن را محدود کنند اما مردم نشان دادند که نوروز فقط یک تعطیلی نیست. هویت است.» همین نگاه را درباره فردوسی، حافظ، سعدی و مولوی هم دارد. آنها بخشی از پیکره فرهنگی ایران‌اند. پیکری که زنده است، نفس می‌کشد و رو به آینده دارد.

سهل و متمتع

در توصیف این فرهنگ، مسجدجامعی یک تعبیر دقیق را به کار می‌برد: «سهل و متمتع. یعنی ساده به نظر می‌رسد اما به آسانی قابل تحقق نیست. این فرهنگ آرام جلو می‌رود اما جای خود را تثبیت می‌کند.» پایان گفت‌وگو با مروری است بر پایداری فرهنگی ایران در برابر موج‌های سیاست‌زدگی: «فرهنگ خودش را تحمیل نمی‌کند اما خودش را تثبیت می‌کند. در نهایت، همان چیزی که از دل مردم می‌آید، باقی می‌ماند و آن، چیزی نیست جز فرهنگ ایرانی؛ فرهنگی که هم حکمت دارد، هم اخلاق، هم زیبایی، هم همزیستی.»

در مقابل، تمایل به غذا‌های فرنگی یا نوگرایانه، ترجمانی از میل به جهانی‌شدن، طبقه جدید و گسست از سنت‌های اجتماعی است. در این میان، اینفلوئنسرهای غذایی یا همان فودبلاگرها، به یکی از بازیگران مهم در صحنه سیاست‌های نرم هویت بدل شده‌اند. آنها دیگر فقط میانیجی ساده میان رستوران و مخاطب نیستند؛ نقش «مهندسان ذائقه» را بر عهده گرفته‌اند. با معرفی مکان‌های لوکس، تأکید بر قیمت‌های نجومی یا تبلیغ تجربه‌های ویژه، سبک زندگی خاصی را مشروعیت می‌بخشند؛ سبکی که در آن غذا کمتر برای رفع نیاز و بیشتر برای نمایش موقعیت و تماز مصرف می‌شود. در شرایطی که بخش‌هایی از جامعه با معیشت روزمره دست‌وپنجه نرم می‌کنند، و پترین این زندگی‌های فاخر می‌تواند به شکاف اجتماعی دامن بزند و ناخودآگاه به ابزاری برای مشروعیت‌بخشی به نابرابری‌های موجود تبدیل شود. از این منظر، غذا تنها طعم نیست که هویت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فرد را با تآب می‌دهد؛ و فودبلاگرها، با هر پست اینستاگرامی، قطعه‌ای از این پازل نامرئی سیاست روزمره را می‌چینند.

سفره‌های بی‌کلام؛ سیاستی که خورده می‌شود

در جهانی که معنا‌ها پشت‌ظاهر ساده روزمره پنهان شده‌اند، غذا خوردن دیگر صرفاً رفع گرسنگی نیست؛ نوعی کنش اجتماعی و بیانیه خاموش شده است. در خیابان‌های شهر، پشت میزهای رستوران‌ها، در منوی اپلیکیشن‌های غذا و حتی در عکس‌های بی‌شمار شبکه‌های اجتماعی، روایت‌هایی ناواسته جریان دارد: روایت تعلق یا اعتراض، فاصله یا همراهی. اینجا غذا به ابزاری برای بازتولید طبقات اجتماعی بدل شده، جایی که هر سفارش و هر لقمه، حامل نشانه‌هایی از قدرت، مصرف و تماز است. سیاست امروز، کمتر در سخنرانی‌های رسمی و بیشتر در همین لحظه‌های کوچک روزمره جا خوش کرده است؛ جایی که هویت، سبک زندگی و موقعیت طبقاتی با نان و نوشابه و قهوه و برگ و چلوکیاب با تعریف می‌شود. در این میدان بی‌سروصدا، آنکه به طرز هوشمندانه‌ای روایت خود را بر سفره‌های بی‌کلام جاری کند، بی‌آنکه فریاد بزند، سیاست واقعی را شکل می‌دهد. سیاستی که این بار در قامت شعار جلوه نکرده است، در طعم و بو و تصویر و ذائقه زندگی می‌کند.

دارند و روی پوست تا حداقل ۶ ساعت تغییر رنگ نمی دهند اما کرم های ضد آفتاب تقلبی سنگین، ناهمگن و چرب هستند و روی پوست به خوبی پخش نمی شوند.

اهمیت کد ۱۶ رقمی کالا

اما یکی از معتبرترین راه های تشخیص ضد آفتاب اصل از فیک، دقت روی چسب اصالت کالا است. برچسب اصالت کالا، رنگی زرد دارد و روی این برچسب ها کد ۱۶ رقمی حک شده است که با خراش دادن روکش نمایان خواهد شد. برای استعمال محصولات ذکر شده می توانید کد ۱۶ رقمی درج شده روی برچسب اصالت محصول را به شماره ۰۸۸۲۲-۲۰۰ ارسال کنید. در این صورت اطلاعات محصول به شما نمایش داده خواهد شد و متوجه اصل یا تقلبی بودن محصول می شوید.

میزان واردات به کشور

بخش بسیار بزرگی از محصولات آرایشی و بهداشتی موجود در بازارهای کشور از طریق واردات انجام می شود. البته تعدادی از کارخانجات داخلی هم اقدام به تولید برخی از لوازم آرایشی می کنند اما در کل سهم واردات (واردات قانونی و قاچاق) بسیار بیشتر است. براساس مشاهدات میدانی، بخش زیادی از این واردات قانونی متعلق به کشور چین است. یکی از معروف ترین برندهای چینی موجود در بازار ایران Chando است که کرم های ضد آفتاب را نیز شامل می شود.

برای واردات لوازم آرایشی در سال ۱۴۰۴ امار دقیقی در دست نیست اما طبق اعلام گمرک، در سال قبل حدود ۱۴۰۰ تن محصولات آرایشی و بهداشتی مراقبت از پوست و مو وارد کشور شده که در نهایت بسیار کمتر از چیزی است که در بازار عرضه می شود و این در حالی است که واردات تعداد زیادی از این اقلام از قبیل صابون و شامپو ممنوع است. به گفته مسئولان مربوطه، مبدأ ورود آنها مناطق آزاد یا قاچاق هستند یا اینکه به صورت فله وارد کشور شده و با برندهای مختلف خارجی بسته بندی و در بازار عرضه می شوند. از سوی دیگر باوجود ممنوعیت واردات فرآورده های آرایش چشم، لب و لاک ناخن، این محصولات با برندهای خارجی در بازار مصرف فراوان عرضه می شوند.

مراقب خرید باشید

همانطور که پیش تر اشاره شد، استفاده محصولات مراقبت از پوست اهمیت خاص خود را دارد اما اگر هنگام خرید مراقب نباشید و اقدام به خرید کالای تقلبی کنید، امکان دارد همین کرم ها که قرار است نقش مراقبت از شما را داشته باشند، تبدیل به ماده ای مخرب شده و عوارض متعددی را برای شما ایجاد کنند.

وقتی که محصولات و برندهای معروف در بازار ارزان تر از قیمت اصلی هستند، ممکن است کبی محصولات باشند. اگر دو محصول با هم یک برند باشند اما قیمت شان خیلی با هم فرق داشته باشد، باید بدانیم به احتمال زیاد محصول فیک است اما در تشخیص اصل یا بدل بودن یک محصول فقط قیمت مهم نیست. محصولات تقلبی در بعضی موارد به قدری خطرناک و بی کیفیت هستند که استفاده از آنها بیماری های پوستی مانند اگزما، آکنه، جوش و در موارد خطرناک تر حتی سرطان را به وجود می آورند.

پیش تر بختیار علم بیگی، رئیس انجمن صنایع شوینده و بهداشتی در خصوص این کالا در سطح بازار گفته بود نه تنها برندهای خارجی لوازم آرایشی در ایران نمایندگی ندارند که بسیاری از این محصولات مانند کرم های ضد آفتاب یا به صورت قاچاق به کشور وارد شده اند یا در زیرزمین ها و زیر پله های ایران تولید شده اند!

بنابراین قبل از اینکه اقدام به خرید کرم های ضد آفتاب کنید، باید به چند نکته مهم توجه داشته باشید. ابتدا اینکه حتما به تاریخ انقضای آن توجه کنید. اگر تاریخ انقضای محصول گذشته یا زمان کمی برای مصرف آن وجود داشته باشد، آن محصول را نخرید. بعضی از تولیدکننده های ضد آفتاب فیک تاریخ جدیدی روی بسته درج می کنند و تاریخ آن را تغییر می دهند.

در مرحله بعدی برای اطمینان از خرید یک ضد آفتاب اصل، مقداری از محصول را روی دست خود بزنید آن را بو کنید، اگر بوی ضد آفتاب ترش یا تند بود، محصول فیک است. ضد آفتاب اصل یا رایحه ندارد یا بوی آن بسیار ملایم و مطبوع است. نکته مهم بعدی در این مورد اینکه ضد آفتاب های اصل بافت یکدست و سبکی

نگاهی به بازار کرم ضد آفتاب گران اما ضروری

حمید رحبی
روزنامه نگار



نور خورشید با تمام مزایایش، بدون محافظت مناسب، برای پوست در دسرساز است. کرم های ضد آفتاب با کاهش خطر آفتاب سوختگی و سرطان پوست، نقشی حیاتی در مراقبت روزانه ایفا می کنند. پوست به عنوان یکی از مهمترین اعضای بدن، نیاز به مراقب های مداوم دارد و در این میان کرم های ضد آفتاب نقش مهمی را ایفا می کنند. خورشید با همه مزایایی که می تواند داشته باشد، در دسرها یی برای پوست و بدن ما ایجاد می کند. اگر به مدت طولانی و به شکل محافظت نشده در معرض تابش نور خورشید قرار بگیریم، ممکن است حسایی به در دسر بیفتیم. یکی از کالاهایی که برای مراقبت از پوست توصیه می شود، استفاده از کرم های ضد آفتاب است. بنابر تحقیقات علمی، استفاده منظم از ضد آفتاب خطر ابتلا به سرطان پوست و آفتاب سوختگی را کاهش می دهد.

یک کرم ضد آفتاب استاندارد باید چه خصوصیتی داشته باشد؟

داشتن SPF مناسب بسیار مهم است. فاکتور محافظت در برابر آفتاب یا همسان SPF، نشان دهنده میزان محافظت یک ضد آفتاب در برابر اشعه UVB است. برای استفاده روزانه معمولاً SPF ۳۰ تا SPF ۵۰ مناسب است اما باید توجه داشته باشید که SPF بالاتر لزوماً به معنای بهتر بودن یک محصول نیست، مگر در شرایط خاص مانند کوهنوردی یا قرار گرفتن طولانی مدت در معرض آفتاب.

برند و مدل	حجم (میلی لیتر)	SPF	رنگی/بوی رنگ	نوع پوست مناسب	قیمت در دیجی کالا	قیمت در خانومی	قیمت در سایر
استادرم فلوئید فوریورس	۵۰	۵۰	بی رنگ	انواع پوست	۶۸۵۰۰۰۰	۶۰۷۵۰۰۰۰	۶۸۰۰۰۰۰۰
آنا مدل Airy	۵۰	۵۰	بی رنگ	چرب و مختلط	۲۸۰۰۰۰۰۰	۲۰۷۹۰۰۰۰	۲۰۷۸۰۰۰۰۰
ایزدین فیوژن واتر لایت	۵۰	۵۰	رنگی (لایت)	پوست حساس	۱۶۰۰۰۰۰۰	۱۰۵۸۰۰۰۰۰	۱۰۵۹۰۰۰۰۰
لافار Medium-SPF۴۰	۴۰	۴۰	رنگی (مدیوم)	خشک و معمولی	۷۶۵۰۰۰۰	۷۵۰۰۰۰۰۰	۷۵۸۰۰۰۰۰
مای مدل Hyaluronic Acid	۵۰	۵۰	بی رنگ	انواع پوست	۲۸۴۰۰۰۰۰	۲۸۰۰۰۰۰۰۰	۲۸۲۰۰۰۰۰۰
پیکسل مدل Oily Acne-Prone Skin	۵۰	۵۰	بی رنگ	چرب و مستعد آکنه	۳۰۳۳۲۰۰	۳۰۰۰۰۰۰۰۰	۳۰۲۰۰۰۰۰۰
پرایم C-Prime Fusion Water	۴۰	۵۰	بی رنگ	انواع پوست	۳۳۳۷۲۰۰	۳۳۰۰۰۰۰۰۰	۳۳۱۰۰۰۰۰۰
ویتالیر مدل Activit	۵۰	۵۰	بی رنگ	مختلط و چرب	۲۸۷۹۱۰۰۰	۲۸۵۰۰۰۰۰۰	۲۸۶۰۰۰۰۰۰
سیسیرسا مدل ضد لک	۵۰	۵۰	بی رنگ	انواع پوست	۶۸۰۰۰۰۰۰۰	۶۷۰۰۰۰۰۰۰	۶۷۵۰۰۰۰۰۰
نستور SPF۵۰ ویتامین E شماره ۴	۵۰	۵۰	رنگی	خشک	۵۸۵۰۰۰۰۰۰	۵۸۰۰۰۰۰۰۰۰	۵۸۲۰۰۰۰۰۰۰
وکالی مدل WKL-۳۲۹	۷۵	۹۰	بی رنگ	معمولی	۲۱۴۰۰۰۰۰۰	۲۱۰۰۰۰۰۰۰۰	۲۱۲۰۰۰۰۰۰۰
دیفکو SPF۵۰ مدل ۰۲	۵۰	۵۰	رنگی	چرب	۵۲۵۰۰۰۰۰۲۰	۵۲۰۰۰۰۰۰۰۰۰	۵۲۲۰۰۰۰۰۰۰۰
مارگريت SPF۵۰ مدل آنتی اکسیدان	۵۰	۵۰	رنگی	نرمال و خشک	۴۳۸۰۰۰۰۰۰۰	۴۳۵۰۰۰۰۰۰۰۰	۴۳۶۰۰۰۰۰۰۰۰
درمالیف C-Fort	۴۰	۵۰	بی رنگ	انواع پوست	۳۴۹۲۹۰۰۰۰	۳۴۵۰۰۰۰۰۰۰۰	۳۴۷۰۰۰۰۰۰۰۰

قیمت ها ممکن است بسته به تخفیف ها، موجودی و شرایط بازار تغییر کنند. پیش از خرید، به تاریخ تولید و انقضا، اصالت کالا و نظرات کاربران توجه کنید.

بازار ضد آفتاب زیر سایه سنگین محصولات تقلبی و خطرناک

تقلب زیر نقاب برندهای معروف

- فروش کرم های غیر مجاز ۷۴ درصد افزایش یافته و نگرانی ها درباره سلامت عمومی را افزایش داده است
- برخی کرم های تقلبی حاوی ترکیبات خطرناکی مانند سرب، جیوه و آرسنیک هستند که علاوه بر التهاب، موجب آسیب های عصبی و حتی ابتلا به سرطان می شوند
- تشخیص ضد آفتاب تقلبی فقط از طریق ظاهر ممکن نیست و نیازمند آزمایش تخصصی است

محمد میرزانی
هفت صبح

بازار فرآورده های بهداشتی ضد آفتاب در ایران و جهان، با جهش چشمگیر محصولات تقلبی مواجه شده است. در حالی که آفتاب سوختگی، پیری زودرس پوست و سرطان های پوستی هر روز افراد بیشتری را تهدید می کنند، بازار جهانی ضد آفتاب ها با موجی از محصولات تقلبی درگیر شده است. تنها در یک سال گذشته، گزارش ها از افزایش ۷۴ درصدی فروش کرم های غیر مجاز حکایت دارند؛ محصولاتی که هیچ محافظتی در برابر اشعه های مضر خورشید ندارند و گاه با ترکیباتی چون سرب، جیوه و آرسنیک، خود به تهدیدی خاموش برای سلامت مصرف کنندگان بدل شده اند. به گزارش نارنمای مارپاسا اسکین، در بازار درهم و برهم محصولات آرایشی و بهداشتی، برخی از کرم های ضد آفتاب تقلبی در پوست های مشابه نمونه های اصلی عرضه می شوند، اما در باطن

فاقد هر گونه فیلتر موثر در برابر اشعه های UVB و UVA هستند. این محصولات غالباً با کاهش هزینه و کنار گذاشتن مراحل کنترل کیفیت، پوست را از حفاظت لازم محروم می کنند و گاه با ترکیبات نامشخص و گاه سمی، سلامت قلب ها، موارد تقلب در محصولات ضد آفتاب در بازارهای یک ساله دست کم ۷۴ درصد رشد داشته است، امری که میلیون ها مصرف کننده را بدون پوشش لازم در برابر نور خورشید رها می کند. دی نشال نیز نوشت که شناسایی این محصولات بدلی تنها با تکیه بر ظاهر دشوار است. بسیاری از مصرف کنندگان با دیدن بسته بندی مشابه عالی

و قیمت رقابتی فریب می خورند. اما واقعیت این است که کرم های فاقد استاندارد های لازم ممکن است با ورود به عمق منافذ پوستی، التهاب های مزمن و واکنش های آلرژیک شدید ایجاد کرده و به دلیل نبود ترکیبات ضد اکسیدان استاندارد، فرآیند پیری پوست را تسریع کنند. بررسی های خبری نیز حکایت از آن دارد که استفاده طولانی مدت از چنین محصولاتی، آسیب های جبران ناپذیری به سد دفاعی پوست وارد می کند و آثار مخرب نور خورشید را تشدید کند. پارسال در مطلبی به تفاوت های کرم های ضد آفتاب اصل و تقلبی اشاره می کند و می نویسد که محصولات تقلبی معمولاً بسته بندی ضعیف، کیفیت چاپ پایین، ترکیبات نامشخص و قیمت بسیار پایین تر نسبت به محصولات اصل دارند. این ویژگی ها، نشانه هایی از تقلبی بودن محصول هستند.

های ورت در گزارشش به خطرات استفاده از محصولات پوستی تقلبی اشاره می کند و می نویسد که این محصولات ممکن است حاوی

مواد شیمیایی مضر مانند سرب، جیوه و آرسنیک باشند. این مواد باعث بروز مشکلات جدی سلامتی مانند مسمومیت، آسیب های عصبی و حتی سرطان می شوند. سازمان بهداشت جهانی نیز اعلام کرده است که حدود ۱۰ درصد از داروهای موجود در بازار جهانی تقلبی هستند و این آمار در مورد محصولات آرایشی و بهداشتی به مراتب بالاتر است. بازار داخلی نیز وضعیتی مشابه و بلکه وخیم تر دارد. ممسنای نیوز به نقل از محمدحسین جمشیدی، متخصص پوست و زیبایی، هشدار می دهد که کرم های ضد آفتاب تقلبی ممکن است حاوی مواد خشنی و بی اثر باشند که هیچ گونه محافظتی در برابر اشعه های مضر خورشید ندارند. این امر به تیرگی پوست و سایر عوارض ناشی از نور خورشید منجر می شود. وی همچنین به نبود کنترل های میکروبی و نگهداری نامناسب این محصولات اشاره می کند که خطرات ناشی از مصرف آنها را افزایش می دهد.

ایران پژواک نیز به نقل از شهرام شعبی، رئیس



ORIGINAL vs FAKE



از مایشگاه کنترل فرآورده های آرایشی و بهداشتی سازمان غذا و دارو، هشدار می دهد که تست های SPF تنها در آزمایشگاه های معتبر قابل انجام است و آزمایش های انجام شده توسط با لگروها و افراد غیر متخصص، قابل اعتماد نیست. وی تأکید می کند که تمامی محصولات آرایشی و بهداشتی تولید داخل که دارای مجوز از سازمان غذا و دارو هستند، آزمایش های لازم کیفیت، کارایی و عدم وجود مواد مضر را می گذرانند و در صورت نقیصه بودن به نقل از محمدحسین جمشیدی، متخصص پوست و زیبایی، هشدار می دهد که کرم های ضد آفتاب تقلبی ممکن است حاوی مواد خشنی و بی اثر باشند که هیچ گونه محافظتی در برابر اشعه های مضر خورشید ندارند. این امر به تیرگی پوست و سایر عوارض ناشی از نور خورشید منجر می شود. وی همچنین به نبود کنترل های میکروبی و نگهداری نامناسب این محصولات اشاره می کند که خطرات ناشی از مصرف آنها را افزایش می دهد.

ایران پژواک نیز به نقل از شهرام شعبی، رئیس



نگاه

اقتصاد دانش بنیان نحیف تر از همیشه

بهروز خیراندیش
فعال دانش بنیان

اخیرا سفری کاری به چین داشتم؛ سفری که بیش از هر چیز برای من، آینده ای بود از آنچه در اقتصاد فناوری محور جهان می گذرد و آنچه در اقتصاد دانش بنیان ایران نمی گذرد! در میان بازدیدهای متعدد از مراکز علمی و فناوری، دیدار از یک شرکت کوچک ولی بسیار نوآور در حوزه تولید قایق های بدون سرنشین توجه مرا به شدت جلب کرد. شرکتی که شاید به لحاظ فیزیکی ابعاد بزرگی نداشت اما ذهن من را تا روزها به خود مشغول ساخت. چرا که در این بازدید متوجه شدم این شرکت نوپا، در حال جذب سرمایه ای بر پایه ارزش گذاری حدود ۲۵۰ میلیون دلار است!

دقت کنید؛ صحبت از کارخانه ای عظیم با هزاران کارگر نیست؛ بلکه درباره یک شرکت چایک با پرسنل محدود و نگاهی بین المللی صحبت می کنم. یکی از مدیران اصلی این شرکت، مهندسی پاکستانی بود که سال ها در سنگاپور تحصیل کرده و حالا در دل چین، بخشی از آینده حمل و نقل دریایی بدون سرنشین را طراحی می کند.

مقایسه این شرکت با وضعیت اغلب شرکت های دانش بنیان ایرانی، تفاوت عمیق در زیرساخت ها، رویکردها و افق های سرمایه گذاری را به روشنی نمایان می کند. در واقع این بازدید مثل یک تابلیو هشدار عمل کرد؛ تابلیوی که با صدای بلند فریاد می زد: ما به شدت از قافله جهانی فناوری عقب مانده ایم!

کدام سیاستگذار؟ کدام آینده؟

نخستین نکته ای که در این مقایسه به ذهن متبادر می شود، فقدان نگاه کلان، منسجم و مبتنی بر تجربه فناورانه در سطح تصمیم گیری های کلان کشور است. در حال حاضر بسیاری از سیاست گذاران حوزه فناوری در ایران یا چهره های صرفاً سیاسی اند یا در بهترین حالت اساتید دانشگاهی که هر چند در علم و تئوری صاحب نظرند اما با پیچیدگی های اجرایی دنیای فناوری های نوین کمتر آشنا هستند.

آیا زمان آن نرسیده که به جای انتصاب های سنتی، نگاهی به خارج از مرزها بیندازیم؟ بسیاری از نخبگان ایرانی تبار در خارج از کشور در شرکت های فناوری جهانی مشغول به کارند؛ چرا نباید سازوکار دعوت از این نخبگان برای ورود به عرصه سیاست گذاری کلان در فناوری کشور فعال شود؟ چرا راه برای بازگشت «تجربه» و نه صرفاً «دانش» بسته مانده است؟ ما به مدیرانی نیاز داریم که هم زبان سرمایه گذار را بدانند، هم زبان تکنولوژی، هم نیاز بازار را بفهمند و هم جسارت تصمیم گیری داشته باشند.

چرا ما فقط برای خودمان تولید می کنیم؟

چالش بعدی که به جای انتصاب های سنتی، نگاهی به خارج از مرزها بیندازیم؟ بسیاری از نخبگان ایرانی تبار در خارج از کشور در شرکت های فناوری جهانی مشغول به کارند؛ چرا نباید سازوکار دعوت از این نخبگان برای ورود به عرصه سیاست گذاری کلان در فناوری کشور فعال شود؟ چرا راه برای بازگشت «تجربه» و نه صرفاً «دانش» بسته مانده است؟ ما به مدیرانی نیاز داریم که هم زبان سرمایه گذار را بدانند، هم زبان تکنولوژی، هم نیاز بازار را بفهمند و هم جسارت تصمیم گیری داشته باشند.

چالش بعدی که به جای انتصاب های سنتی، نگاهی به خارج از مرزها بیندازیم؟ بسیاری از نخبگان ایرانی تبار در خارج از کشور در شرکت های فناوری جهانی مشغول به کارند؛ چرا نباید سازوکار دعوت از این نخبگان برای ورود به عرصه سیاست گذاری کلان در فناوری کشور فعال شود؟ چرا راه برای بازگشت «تجربه» و نه صرفاً «دانش» بسته مانده است؟ ما به مدیرانی نیاز داریم که هم زبان سرمایه گذار را بدانند، هم زبان تکنولوژی، هم نیاز بازار را بفهمند و هم جسارت تصمیم گیری داشته باشند.

چالش بعدی که به جای انتصاب های سنتی، نگاهی به خارج از مرزها بیندازیم؟ بسیاری از نخبگان ایرانی تبار در خارج از کشور در شرکت های فناوری جهانی مشغول به کارند؛ چرا نباید سازوکار دعوت از این نخبگان برای ورود به عرصه سیاست گذاری کلان در فناوری کشور فعال شود؟ چرا راه برای بازگشت «تجربه» و نه صرفاً «دانش» بسته مانده است؟ ما به مدیرانی نیاز داریم که هم زبان سرمایه گذار را بدانند، هم زبان تکنولوژی، هم نیاز بازار را بفهمند و هم جسارت تصمیم گیری داشته باشند.

چالش بعدی که به جای انتصاب های سنتی، نگاهی به خارج از مرزها بیندازیم؟ بسیاری از نخبگان ایرانی تبار در خارج از کشور در شرکت های فناوری جهانی مشغول به کارند؛ چرا نباید سازوکار دعوت از این نخبگان برای ورود به عرصه سیاست گذاری کلان در فناوری کشور فعال شود؟ چرا راه برای بازگشت «تجربه» و نه صرفاً «دانش» بسته مانده است؟ ما به مدیرانی نیاز داریم که هم زبان سرمایه گذار را بدانند، هم زبان تکنولوژی، هم نیاز بازار را بفهمند و هم جسارت تصمیم گیری داشته باشند.

چالش بعدی که به جای انتصاب های سنتی، نگاهی به خارج از مرزها بیندازیم؟ بسیاری از نخبگان ایرانی تبار در خارج از کشور در شرکت های فناوری جهانی مشغول به کارند؛ چرا نباید سازوکار دعوت از این نخبگان برای ورود به عرصه سیاست گذاری کلان در فناوری کشور فعال شود؟ چرا راه برای بازگشت «تجربه» و نه صرفاً «دانش» بسته مانده است؟ ما به مدیرانی نیاز داریم که هم زبان سرمایه گذار را بدانند، هم زبان تکنولوژی، هم نیاز بازار را بفهمند و هم جسارت تصمیم گیری داشته باشند.

چالش بعدی که به جای انتصاب های سنتی، نگاهی به خارج از مرزها بیندازیم؟ بسیاری از نخبگان ایرانی تبار در خارج از کشور در شرکت های فناوری جهانی مشغول به کارند؛ چرا نباید سازوکار دعوت از این نخبگان برای ورود به عرصه سیاست گذاری کلان در فناوری کشور فعال شود؟ چرا راه برای بازگشت «تجربه» و نه صرفاً «دانش» بسته مانده است؟ ما به مدیرانی نیاز داریم که هم زبان سرمایه گذار را بدانند، هم زبان تکنولوژی، هم نیاز بازار را بفهمند و هم جسارت تصمیم گیری داشته باشند.

چالش بعدی که به جای انتصاب های سنتی، نگاهی به خارج از مرزها بیندازیم؟ بسیاری از نخبگان ایرانی تبار در خارج از کشور در شرکت های فناوری جهانی مشغول به کارند؛ چرا نباید سازوکار دعوت از این نخبگان برای ورود به عرصه سیاست گذاری کلان در فناوری کشور فعال شود؟ چرا راه برای بازگشت «تجربه» و نه صرفاً «دانش» بسته مانده است؟ ما به مدیرانی نیاز داریم که هم زبان سرمایه گذار را بدانند، هم زبان تکنولوژی، هم نیاز بازار را بفهمند و هم جسارت تصمیم گیری داشته باشند.

چالش بعدی که به جای انتصاب های سنتی، نگاهی به خارج از مرزها بیندازیم؟ بسیاری از نخبگان ایرانی تبار در خارج از کشور در شرکت های فناوری جهانی مشغول به کارند؛ چرا نباید سازوکار دعوت از این نخبگان برای ورود به عرصه سیاست گذاری کلان در فناوری کشور فعال شود؟ چرا راه برای بازگشت «تجربه» و نه صرفاً «دانش» بسته مانده است؟ ما به مدیرانی نیاز داریم که هم زبان سرمایه گذار را بدانند، هم زبان تکنولوژی، هم نیاز بازار را بفهمند و هم جسارت تصمیم گیری داشته باشند.

چالش بعدی که به جای انتصاب های سنتی، نگاهی به خارج از مرزها بیندازیم؟ بسیاری از نخبگان ایرانی تبار در خارج از کشور در شرکت های فناوری جهانی مشغول به کارند؛ چرا نباید سازوکار دعوت از این نخبگان برای ورود به عرصه سیاست گذاری کلان در فناوری کشور فعال شود؟ چرا راه برای بازگشت «تجربه» و نه صرفاً «دانش» بسته مانده است؟ ما به مدیرانی نیاز داریم که هم زبان سرمایه گذار را بدانند، هم زبان تکنولوژی، هم نیاز بازار را بفهمند و هم جسارت تصمیم گیری داشته باشند.

چالش بعدی که به جای انتصاب های سنتی، نگاهی به خارج از مرزها بیندازیم؟ بسیاری از نخبگان ایرانی تبار در خارج از کشور در شرکت های فناوری جهانی مشغول به کارند؛ چرا نباید سازوکار دعوت از این نخبگان برای ورود به عرصه سیاست گذاری کلان در فناوری کشور فعال شود؟ چرا راه برای بازگشت «تجربه» و نه صرفاً «دانش» بسته مانده است؟ ما به مدیرانی نیاز داریم که هم زبان سرمایه گذار را بدانند، هم زبان تکنولوژی، هم نیاز بازار را بفهمند و هم جسارت تصمیم گیری داشته باشند.

چالش بعدی که به جای انتصاب های سنتی، نگاهی به خارج از مرزها بیندازیم؟ بسیاری از نخبگان ایرانی تبار در خارج از کشور در شرکت های فناوری جهانی مشغول به کارند؛ چرا نباید سازوکار دعوت از این نخبگان برای ورود به عرصه سیاست گذاری کلان در فناوری کشور فعال شود؟ چرا راه برای بازگشت «تجربه» و نه صرفاً «دانش» بسته مانده است؟ ما به مدیرانی نیاز داریم که هم زبان سرمایه گذار را بدانند، هم زبان تکنولوژی، هم نیاز بازار را بفهمند و هم جسارت تصمیم گیری داشته باشند.

چالش بعدی که به جای انتصاب های سنتی، نگاهی به خارج از مرزها بیندازیم؟ بسیاری از نخبگان ایرانی تبار در خارج از کشور در شرکت های فناوری جهانی مشغول به کارند؛ چرا نباید سازوکار دعوت از این نخبگان برای ورود به عرصه سیاست گذاری کلان در فناوری کشور فعال شود؟ چرا راه برای بازگشت «تجربه» و نه صرفاً «دانش» بسته مانده است؟ ما به مدیرانی نیاز داریم که هم زبان سرمایه گذار را بدانند، هم زبان تکنولوژی، هم نیاز بازار را بفهمند و هم جسارت تصمیم گیری داشته باشند.

چالش بعدی که به جای انتصاب های سنتی، نگاهی به خارج از مرزها بیندازیم؟ بسیاری از نخبگان ایرانی تبار در خارج از کشور در شرکت های فناوری جهانی مشغول به کارند؛ چرا نباید سازوکار دعوت از این نخبگان برای ورود به عرصه سیاست گذاری کلان در فناوری کشور فعال شود؟ چرا راه برای بازگشت «تجربه» و نه صرفاً «دانش» بسته مانده است؟ ما به مدیرانی نیاز داریم که هم زبان سرمایه گذار را بدانند، هم زبان تکنولوژی، هم نیاز بازار را بفهمند و هم جسارت تصمیم گیری داشته باشند.

آیا وقت آن نرسیده که صدای زنگ هشدار را جدی بگیریم؟

بازار پر رقابت آموزشگاه‌های بازیگری زیر ذره بین هفت صبح

آرزوهای بزرگ نقش‌های کوچک



محمدعرفان صدیقیان
هفت صبح

احتمالا بسیاری از آدم‌ها در دوران کودکی و یا جوانی حداقل یک بار تحت تاثیر قدرت جادویی سینما قرار گرفته و خواسته‌اند تا بازیگر شوند. چرایی این موضوع می‌تواند دلایل مختلف و گاهی عجیب داشته باشد. ستاره‌های سینما دستمزدهای نجومی دریافت می‌کنند، در جامعه مورد توجه افراد خاص و عام هستند و بسیاری از درهای بسته به روی آن‌ها همیشه باز است. اصلا چه فرقی می‌کند که مقصود از بازیگر شدن چیست؟ در هر صورت وجود انگیزه‌های این چنینی باعث می‌شود تا هر ساله تعداد زیادی از علاقه‌مندان به این هنر، برای رسیدن به آرزوی خود راهی آموزشگاه‌ها و دوره‌های سینمایی شوند. مسیری سخت و پرفراز و نشیب که معمولا قدم گذاشتن در آن با انگیزه‌های مثبت و امیدواری‌های بسیار همراه است اما گاهی در نهایت چیزی به جز یاس و سرخوردگی نصیب هنر جوان نمی‌شود.

از یگری حرف‌های سهل و ممتنع است و برای آغاز راه نیاز است تا با خود صادق بود و نگاهی واقع‌بینانه به شرایط داشت. حتی شاید بهتر باشد تا فرد علاقه‌مند به بازیگری دست از مثبت‌نگری‌های کاذب برداشته و با توجه به ظرفیت سینمای ایران و بررسی احتمالات مختلف، شرایط رسیدن به موفقیت را ارزیابی کرده تا بعدها به سرخوردگی دچار نشود.

از قدیم گفته‌اند که خواستن، توانستن است. درست است که نمی‌شود به طور مطلق با این گزاره مخالفت کرد، اما شاید این جمله در هر پیشه‌ای کارکرد نداشته باشد. بازیگری مانند هر فعالیت هنری دیگر، به میزان قابل توجهی از خلاقیت و استعداد درونی نیاز دارد. تازه آن زمان است که می‌شود قدم در راه میل و خواسته قلبی گذاشت و به سوی آن حرکت کرد. اما مطمئن‌ترین راه برای ورود به دنیای هنر، خصوصا بازیگری چیست؟ سوالی بنیادین و ریشدار که رسیدن به پاسخی شفاف و جامع برای آن به سادگی امکان پذیر نیست.

بررسی نمونه‌های موردی از افراد موفق در این حرفه هم قرار نیست از پیچیدگی ابعاد موضوع کم کند. با افتتاح دانشکده هنرهای دراماتیک در دهه ۳۰ آموزش تئاتر در کشور شکلی آکادمیک و

صورتی علمی پیدا کرد. پیش از آن بازیگری صورتی تجربی داشت و افراد علاقه‌مند به این پیشه در قالب گروه‌های تئاتری و عموما از طریق نمایش‌های اجرا شده در لاله‌زار آن را جست‌وجو می‌کردند. با تأسیس این دانشکده، تئاتر ایران ظاهری به روز شده به خود دید و آموزش علمی بازیگری شکلی نهادینه پیدا کرد. به دنبال این ماجرا، نسلی طلایی از بازیگران و کارگردان تربیت شدند و در ادامه پیوندی معنادار میان تئاتر و سینما اتفاق افتاد.

سال‌ها گذشت تا اینکه در اواخر دهه شصت و اوایل دهه هفتاد، با رونق یافتن سینما و ظهور شکل تازه فیلم‌های تجاری، جایگاه ستاره‌های سینما شمایی جذاب و دل‌فریب پیدا کرد. حالا دیگر بسیاری از جوانان در آرزوی ورود به سینما بودند و به همین دلیل آموزشگاه‌های سینمایی با مدیرانی کاربلد و یا غیرمتخصص یکی پس از دیگری بازگشایی شدند. این روند از آن زمان تاکنون ادامه پیدا کرده است و شرایط به گونه‌ای شده که حتی دانشجویان و فارغ‌التحصیلان دانشکده‌های هنری نیز برای ورود

به طور کلی آموزشگاه‌های بازیگری برای اثبات توانایی خود در پرورش نیروی کار حرفه‌ای، نیاز

آلبوم‌های روای فروش
به طور کلی آموزشگاه‌های بازیگری برای اثبات توانایی خود در پرورش نیروی کار حرفه‌ای، نیاز

اما مشکل تنها هزینه بالای این کلاس‌ها نیست.



در عمل و واقعیت و در مقایسه با سال‌های دهه هشتاد، روند ورود چهره‌های تازه به عالم بازیگری آن‌ها آلبوم‌هایی را به این‌منظور تهیه کرده‌اند که در آن‌ها اسامی مختلفی یاد می‌شود. اما این تنها ظاهر ماجراست، چراکه اندازه نقش بسیاری از آن‌ها چیزی در حد لحظه و حضورهایی بسیار کوتاه است. تاجایی که عموما این نقش‌ها برعهده هنروان گذاشته می‌شود.

جوانی ۲۲ساله که خود دانشجوی رشته تئاتر است، می‌گوید: «معمولا مسئول هنروان از علاقه هنرجویان بازیگری سو استفاده کرده در قالب فراخوان‌های انتخاب بازیگر و بدون دستمزد، نقش‌هایی بسیار کوتاه به آن‌ها پیشنهاد می‌کنند که بعدها معلوم می‌شود اندازه آن با سباهی لشگر تفاوت چندانی ندارد.»

با وجود آنکه بیشتر آموزشگاه‌های بازیگری با مجوز وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی فعالیت می‌کنند و برخی نیز به صورت موسسه‌های فرهنگی- هنری یا آموزشگاه‌های آزاد هنری به ثبت رسیده‌اند، اما نظارت دقیق و حرفه‌ای چندانی بر روی آن‌ها وجود ندارد و در نهایت این هنرجویان هستند که باید با چشمانی باز دست به انتخاب بزنند.

گران‌ترین‌ها: شهرت مدرس، تدریس

بازیگری

یکی از مهم‌ترین چالش‌ها پیش روی افراد علاقه‌مند به بازیگری، شهریه بالایی برخی از این آموزشگاه‌هاست. موضوعی که بسته به شهرت مدرس مبلغ آن تعیین می‌شود و متوسط هزینه‌ای که برای حضور در یک دوره ۱۲ تا ۱۴ جلسه‌ای دریافت می‌شود، از حدود ۱۰ تا ۳۰ میلیون تومان متغیر است.

بسیاری از آموزشگاه‌ها علاوه بر بازیگری، دوره‌های دیگری مانند فیلم‌نامه‌نویسی و کارگردانی را هم برگزار می‌کنند که هزینه حضور در آن‌ها بسیار پایین‌تر است. برای نمونه مبلغی که هنرجو برای شرکت در دوره‌های بازیگری یکی از کارگردانان مشهور سینما در یکی از آموزشگاه‌هایی که چند سالی نامش بر سر زبان‌ها افتاده باید بپردازد چیزی حدود ۲۵ میلیون تومان است، در حالی که شرکت در دوره کارگردانی او ۱۴ میلیون تومان هزینه در پی خواهد داشت.

مرجع انتخاب آموزشگاه‌ها نیستند

اما مشکل تنها هزینه بالای این کلاس‌ها نیست.



آموزشگاه بازیگری

فقط انتقال تجربه می‌کند

«رابطه با افراد مشهور تضمین ورود سینماست

رها ۲۲ساله است و به تازگی از رشته تئاتر فارغ‌التحصیل شده است. او نیز بر این باور است که برای ورود به سینما، حضور در کلاس‌های بازیگری اهمیت زیادی دارد اما با این وجود انتقادهایی را هم مطرح می‌کند: «حضور در دنیای بازیگری بیش از توانمندی و استعداد، حاصل آشنایی با عوامل مشهور سینما و ایجاد رابطه با آن‌ها است. آموزشگاه‌های سینمایی مسیری را برای مواجه شدن با این افراد فراهم می‌کند. اما در هر صورت باید خیلی خوش شانس باشی تا بتوانی نقشی هرچند کوتاه در یک فیلم باسریال برای خودت دست و پا کنی.»

بسیاری حرف‌های نیستند اما انتقال تجربه می‌کنند
او درباره فضا و اتمسفر حاکم در آموزشگاه‌های سینمایی می‌گوید: «من تاکنون حضور در دوره‌های مختلفی را تجربه کرده‌ام و به دلیل اینکه خود فارغ‌التحصیل رشته بازیگری هستم، مبانی علمی این رشته را می‌دانم. حضور من در این کلاس‌ها تنها به دلیل آشنایی با افسران تازه و خصوصا فیلم‌سازان معتبر است.»

رها درباره تجربه خود از حضور در این دوره‌ها می‌گوید: «نمی‌توانم بگویم شرکت در کلاس‌های آزاد برای من بی‌ثمر بوده است، با وجود اینکه بسیاری از افرادی که در این موسسه تدریس می‌کنند به تکنیک‌ها و روش‌های علمی بازیگری تسلطی ندارند اما حداقل نوعی انتقال تجربه مفید صورت می‌گیرد که برای هنرجویان می‌تواند راهگشا باشد.»

مدرسان تئاتر، نقش مهمی در تربیت دارند
او درباره چگونگی ساز و کار آموزش بازیگری می‌گوید: «همه چیز به مدرس بستگی دارد. معمولا افرادی که دارای پیشینه تئاتری هستند، تمرین‌هایی را تاراک می‌بینند که شاید در نگاه اول بی‌ثمر به نظر برسند، اما نقش مهمی در تربیت بیان، بدن و احساس بازیگر دارند. در مقابل برخی از چهره‌های سینمایی، خصوصا فیلم‌سازان بیشتر از هر چیز به نوعی رویکرد تجربی و حس‌ی در دوره‌هایی مانند بازیگری مقابل دوربین متکی هستند.»

عناوین آموزشی عجیب و تکراری است
رها بسیاری از دوره‌هایی کارکرد و مشابه یکدیگر می‌داند و می‌گوید: «این کلاس‌ها بیشتر توسط افراد فعال در رشته تئاتر طراحی می‌شوند و اگر به عناوین آن‌ها دقت کنید، بعضا دارای جمله‌هایی با معانی عجیب و غریب هستند. دوره‌هایی که عملا تکرار مکررات است و تفاوتی با کلاس‌های دیگر ندارد.»

برای سینما به کار غیراخلاقی هم تن می‌دهند
رها می‌گوید: «زمانی که دانشجوی تئاتر بسودم گروهی آماتور با دوستانم تشکیل داده بودیم و با یکدیگر به تمرین نمایشنامه‌های مختلف پرداخته. اتو‌های گوناگونی را اجرا می‌کردیم و یا به تماشای نمایش‌های مهم می‌رفتیم. بنابر این من چندان از این فضا دور نبوده‌ام و از چالش‌های این مسیر خبر داشتم. اما راستش گاهی فکر می‌کنم ورود به کلاس‌های بازیگری کمی مرا از مسیر درست خارج کرده است. من از همان ابتدا می‌خواستم راهی به سینما پیدا کنم اما به نظرم فعالیت در تئاتر می‌توانست نتیجه‌ای بهتر به همراه داشته باشد. در کلاس‌های بازیگری با افرادی مواجه شدم که ارتباط چندانی با دنیای هنر ندارند اما حاضر هستند برای دیده شدن حتی به کارهای غیراخلاقی دست بزنند. طبیعی است که مواجهه با این وضعیت پس از مدتی تو را نسبت به آینده و موفقیت در این حرفه ناامید می‌کند.»



کیفیت حضور و میزان

توانمندی‌های بازیگرانی که توسط

سمندریان تربیت شدند به اندازه‌ای است

که حالا و در نبود او بیشتر می‌توانیم به اهمیت

یک مدرس طراز اول در موفقیت هنرجویان پی

ببریم. بی‌را نیست که عده‌ای بر این باورند که

بادر گذشت سمندریان، جریان تربیت بازیگر

در کشور دچار لطمه‌ای جدی شد

برای ستاره شدن

تنها آموزشگاه کافی نیست

«کسی قول نمی‌دهد خودت باید ممارست کنی
مهدی جوانی حدودا ۳۰ساله است که معیشت او از شغلی آزاد تأمین می‌شود. او به آموزشگاه‌های بازیگری نگاهی مثبت داشته و عقیده دارد، چنین جریانی می‌تواند در نهایت علاقه‌مندان به این هنر را به آرزوی خود برساند.» به نظر من همه چیز به سعی و تلاش شخصی آدم‌ها بستگی دارد. در چنین آموزشگاه‌هایی، بازیگر در معرض تعلیم و یادگیری قرار می‌گیرد، به علاوه فضای صمیمی شکل گرفته در این آموزشگاه‌ها باعث می‌شود دوستانی همراه و هم‌مسیر پیدا کنیم و با تشکیل گروه‌های تئاتری، تمرین‌هایی مستمر را برنام‌ریزی کنیم.»

از او درباره نگاه تجاری مدیران آموزشگاه‌ها سوال می‌کنم و پاسخ می‌دهد: «در این شرایط اقتصادی طبیعی است که همه به دنبال کسب در آمد بیشتر باشند، اما آموزشگاه‌های زیادی وجود دارند که واقعا دغدغه تربیت بازیگر را داشته و باز هم تاکید می‌کنم که همه چیز به تلاش‌های خود فرد بستگی دارد. خیلی‌ها تنها فریفته جذابیت‌های ظاهری این شغل هستند و به همین دلیل طبیعی است که وقتی با سختی‌های راه مواجه می‌شوند، از زیر بار ممارست و تمرین‌های پیوسته شانه خالی می‌کنند.»

«وسوسه‌ای نیست توانایی لازم است

وقتی از او می‌پرسم که آیا با وعده‌های دروغینی نظیر بازی در فیلم و سریال پس از اتمام دوره مواجه شده است یا خیر می‌گوید: «هن از بعضی دوستانت شنیده‌ام که برخی از آموزشگاه‌ها پیش از ثبت‌نام با وعده‌های این چنینی متقاضیان را وسوسه می‌کنند. هر چند هیچ وقت به من چنین قولی داده نشده است، مسلما اگر کسی بخواهد در این حرفه موفق شود و سختی‌های مسیر را هم بپذیرد، قطعا به هدف خود می‌رسد. من افرادی را می‌شناسم که شاید ظاهر چندان خوبی هم نداشته باشند، اما به دلیل توانایی‌های خود و تجربه‌هایی مثل بازی در صحنه تئاتر توانسته‌اند توانمندی‌های خود را اثبات کنند و مورد توجه کارگردانان مختلفی قرار بگیرند.»

«بازیگری فقط تمرین است

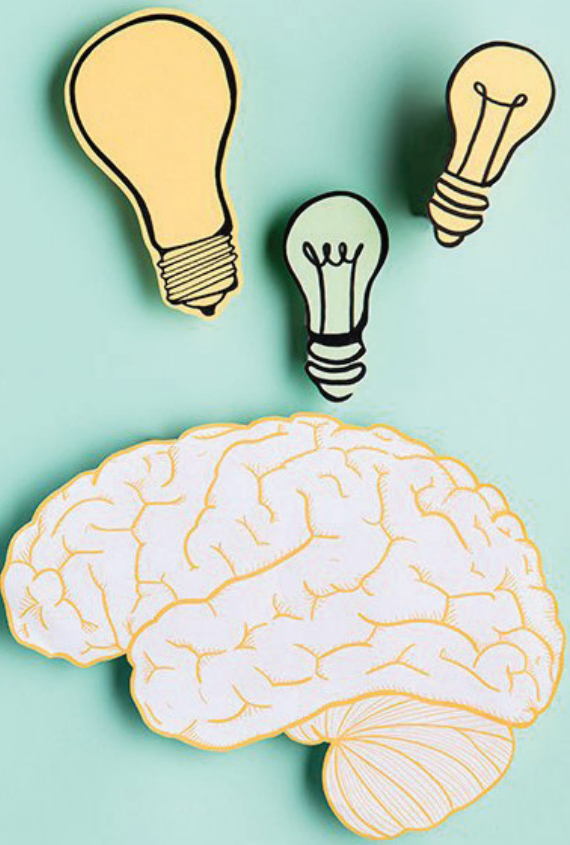
مهدی زمانی که متوجه می‌شود چند وقتی است مشغول تحقیق پیرامون ساز و کار آموزشگاه‌های سینمایی هستم، نظر من را می‌پرسد. به او می‌گویم به نظر می‌رسد که بسیاری از این آموزشگاه‌ها رویکرد صحیحی را دنبال نکرده و پیش از پذیرش هنرجو، استعدادهای او را مورد سنجش قرار نمی‌دهند و بیشتر نگاهی کاسب‌کارانه دارند. او با من مخالفت می‌کند و می‌گوید: «بازیگری تنها تمرین است و هر فردی می‌تواند در آن موفق باشد! در آموزشگاه‌ها با شیوه‌های مختلف تلاش می‌شود تا نکات و تجربه‌های مهمی به هنرجو منتقل شود. اما برخی دغدغه این هنر را ندارند و طبیعی است برای رسیدن به جایگاه یک ستاره، تلاشی را که باید صورت نمی‌دهند.»

«مسیر رسیدن به سینما فقط آموزشگاه است

زمانی که انگیزه او را از ثبت‌نام در این کلاس‌ها جويا می‌شوم، عنوان می‌کند: «اگر فردی بخواهد راهی به سینما پیدا کند، باید در آموزشگاه‌ها حضور پیدا کند. شما اگر سوابق بازیگران را مطالعه کنید، متوجه می‌شوید که بسیاری از آن‌ها فاقد هر گونه پیش‌زمینه‌ای بوده‌اند و حتی تعداد زیادی تحصیلات دانشگاهی خود را در رشته‌ای به جز تئاتر و سینما گذرانده‌اند. طبیعی است که ورود به کلاس‌های این چنینی باعث آشنایی فیلم‌سازان با آن‌ها شده و اگر غیر از این بود، هیچ وقت نمی‌توانستند وارد این حیطه شوند. البته نباید از عوامل مختلف دیگری مثل فیزی‌ک و چهره مناسب نیز غافل شد، چراکه این عوامل در انتخاب یک کارگردان می‌تواند موثر باشد.»



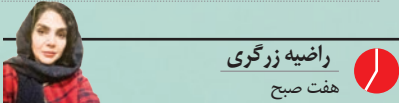
شعارهایی نظیر «خودتان را دوست داشته باشید» می‌توانند منجر به انزوای اجتماعی و کاهش تعاملات انسانی شوند. در حالی که حکمت و فلسفه زندگی بر پایه دوست داشتن دیگران و ایجاد ارتباطات عمیق انسانی بنا شده است



گزارش هفت‌صبح از بازار پرفروش جمله‌های انگیزشی بدون پشتوانه علمی

روان‌شناسی اینستاگرامی

- بسیاری از دوره‌های روان‌شناسی در فضای مجازی هیچ پایه علمی یا درمانی ندارند
- افزایش سواد رسانه‌ای راه مقابله با فریب روان‌شناسان تقلبی است
- روان‌شناسی مثبت‌گرایانه‌ای شده برای حذف تجربه احساسات واقعی



زاضیه زرگری
هفت صبح

«خودتو دوست داشته باش، اون وقت همه‌چی درست می‌شاه»، «هرچی بخوای، می‌تونی با قدرت ذهنت جذب کنی! کافیه عبارت قدرت ذهن رو کامنت کنی تا بهت راهکارش رو نشون بدم»؛ قطعه‌هه ما این جملات رو بارها در استوری‌های رنگارنگ اینستاگرام دیده‌ایم. جملاتی که در نگاه اول امیدبخش و الهام‌بخش به نظر می‌رسند و حتی می‌توانند افراد زیادی را وسوسه کنند تا یکجک‌های انگیزشی متفاوت را با وعده‌های رسیدن به زندگی شادتر

و ارتباطات سالم‌تر، از صاحبان پیج‌های انگیزشی خریداری کنند. اما آیا واقعا این جایگزین‌های مجازی که اکثرا غیر علمی‌اند، می‌توانند جای روان‌شناسی واقعی را بگیرند؟ یا فقط ظاهر فریبنده هستند برای پنهان کردن یک حقیقت تلخ؛ با گسترش شبکه‌های اجتماعی، چیزی به نام «روان‌شناسی زرد» در حال رشد انفجاری ست؛ جریانی که با شعارهای ساده و جملات کلیشه‌ای، خودش را به جای علم روان‌شناسی جازه.

روان‌شناسی بدون علم و تجربه

روان‌شناسی اصطلاحاً زرد، به مطالب و محتواهایی گفته می‌شود که گرچه ظاهری علمی دارند، اما فاقد پایه‌های تحقیقاتی و شواهد علمی‌اند. این سبک روان‌شناسی معمولاً شامل توصیه‌های عام، تست‌های بی‌پشتوانه و ادعاهای اغراق‌آمیز است که بیشتر از آن که بر درمان تأکید داشته باشند، بر احساس خوب لحظه‌ای تمرکز می‌کنند. از پیج‌هایی با جملات انگیزشی کلیشه‌ای مثل «تو فقط باید بخوای! جهان با تو هم‌دست می‌شه» یا «اگر امروز ناراحتی، حتماً فردا خوشحالی در راهه» تا فروش دوره‌های «خودشناسی» یا «پاک‌سازی ذهن» بدون مجوز؛ محتواهای فضای مجازی برای کاربری که در زندگی روزمره شلوغ خود غرق شده، ظاهر دلگرم‌کننده‌ای دارند اما اکثراً از هیچ پایه علمی بر خوردار نیستند و می‌توانند مشتریان ساده‌انگار را سرخورده‌تر از امروزشان کنند.

فضای مجازی می‌تواند بستر مناسبی برای هر استفاده و سوءاستفاده‌ای باشد؛ آن‌هم در روزگاری که کمتر کسی می‌تواند ادعا کند روان‌سالمی دارد و از توصیه‌های روانشناسی بی‌نیاز است. پس کجا بهتر از شبکه‌های اجتماعی که در دسترس همه هست و هیچ نظارت و بگبر و ببند درست و حسابی هم ندارد. همین می‌شود که فضای اینستاگرام پر شده از «کوچک‌جنگ‌های ذهن» یا «متخصصان تحول فردی» که اتفاقاً در پایو (معرفی) صفحاتشان همه از بهترین دانشگاه‌های ایران یا حتی خارج از کشور، مدرک گرفته‌اند و در قالب تخصص دوره‌هایی گران‌قیمت به مردم می‌فروشند. پشت پرده اغلب این صفحات افراد سودجو هستند که نه مجوز روان‌شناسی دارند و نه تحصیلات مرتبط. در همین دوره‌هاست که توصیه‌های عجیب و غریبی می‌شود؛ مثل اینکه «هر روز ۵ دقیقه بخند تا افسرده نشی!»

تست‌هایی که به بازی شبیه است

این محتواها به دلیل اینکه طراحی جذابی دارند و آگاهانه دست بر روز نیاز فعلی و رو به رشد جامعه گذاشته‌اند، به راحتی با خلاقیت آگاهی رسانه‌ای در میان عموم مردم استفاده می‌کنند و مرتب در کانال‌های تلگرامی و استوری‌های اینستاگرامی دست به دست می‌دهند. مثل تست‌هایی با عنوان «بفهم شخصیت چیه!» یا «کدام رنگ، روح تو را نشان می‌دهد؟» که هیچ گونه اعتبار



روان‌سنجی ندارند ولی مرتب در کانال‌ها و استوری‌ها بازنشر می‌شوند. تست‌های غیرعلمی روان‌شناسی که بیشتر شبیه بازی هستند تا ابزار تشخیص، اما چون حس خودشناسی کاذب ایجاد می‌کنند، باعث می‌شوند فرد تصور کند واقعه‌ای درک عمیق‌تری از خودش رسیده. گروهی دیگر چسبیده‌اند به جملات انگیزشی و با سوءاستفاده از روان‌شناسی مثبت‌گرا، فقط نیمه بر لیوان را نشان می‌دهند و با عباراتی مثل «افکار منفی رو بربند دور» یا «فقط مثبت باش!» افراد را از تجربه کردن احساسات واقعی‌شان دور می‌کنند.

روان‌شناسی زرد؛ از تار و پخچه تا مفهوم امروزی

«اصطلاح «زرد» در ابتدا از دنیای روزنامه‌نگاری و نشریاتی به نام «یلو ژورنالیسم» نشأت گرفته است. این نشریات در اوایل قرن بیستم در اروپا فعالیت می‌کردند و با انتشار اخبار جنجالی و عکس‌های خصوصی افراد مشهور، توجه مخاطبان را جلب می‌کردند. خبرنگاران این سبک، که بعدها به «پاپ‌آرتی» معروف شدند، با ثبت لحظه‌های خصوصی بازرگان، ورزشکاران، خوانندگان و سیاستمداران، تیتراهای جنجالی می‌ساختند. این اخبار اغلب بدون سند و مبتنی بر شایعات بودند، اما جذابیت آنها در تحریک حس کنجکاوی و هیجان مخاطبان بود.» علی‌اکبر زین‌العابدین، نویسنده و روان‌شناس در گفت‌وگو با هفت‌صبح اینس مقدمه را درباره اصطلاح زرد که در هر حوزه‌ای باب شده، می‌دهد. او معتقد است با گذشت زمان، مفهوم «زرد» از دنیای روزنامه‌نگاری فراتر رفت و به سایر محصولات فرهنگی نیز سرایت کرد. امروزه این اصطلاح به هر نوع محتوایی اطلاق می‌شود که به نیازهای فوری، سطحی و هیجانی مخاطبان پاسخ می‌دهد. از سینما و رمان گرفته تا کتاب‌ها و حتی روان‌شناسی؛ هر محصولی که بدون پشتوانه علمی یا محتوایی عمیق، صرفاً برای جلب توجه و رفع نیازهای لحظه‌ای تولید شود، به عنوان «زرد» شناخته می‌شود.

به گفته این محقق حوزه روان‌شناسی، در این حوزه تخصصی، مفهوم «زرد» به محصولاتی اطلاق می‌شود که تلاش می‌کنند مشکلات و رنج‌های انسان امروزی را با راه‌حل‌های ساده

و سریع برطرف کنند. این محصولات شامل کتاب‌ها، کلیپ‌های آموزشی آنلاین و آفلاین و محتوای رایج در شبکه‌های اجتماعی هستند که با ارائه نسخه‌های فوری، مخاطب را به

این باور می‌رسانند که مشکلات پیچیده روانی را می‌توان در کوتاه‌ترین زمان ممکن حل کرد. روان‌شناسی زرد، مانند فست‌فود، به دنبال پاسخگویی سریع و سطحی به نیازهای مخاطبان است.

چرا مردم دنبال روان‌شناسی زرد می‌روند؟

در واقع دلایل زیادی وجود دارد. محتوای روان‌شناسی زرد، ساده است و راحت، نیازی به فکر عمیق یا مواجهه با احساسات ناخوشایند ندارد و همه‌چیز در قالب جملات کوتاه، رنگ‌های شاد و موسیقی آرام‌بخش بسته‌بندی می‌شود. شاید بتوان گفت در شرایطی که زندگی پر از استرس و اضطراب و فشار است، خیلی‌ها ترجیح می‌دهند به جای درمان واقعی، با چند استوری حس خوبی بگیرند حتی موقت. این نوع روانشناسی با جذابیت‌های سطحی و پاسخ‌های فوری، ممکن است در نگاه اول مخاطب را جذب کند، اما در بلندمدت نمی‌تواند جایگزین روان‌شناسی علمی و عمیق شود. زین‌العابدین بابیان اینکه روان‌شناسی علمی برخلاف روان‌شناسی زرد، به فرآیندهای بلندمدت و عمیق توجه دارد، ادامه می‌دهد: «روان‌انسان نتیجه تاریخچه‌ای طولانی از فرهنگ، محیط و تجربیات فردی است که در طول سال‌ها شکل گرفته. برای درک و درمان مسائل روانی، نیاز به زمان، تحلیل دقیق و کار مداوم است. روان‌شناسی علمی، چه در قالب روانکاو و چه در سایر رویکردها، به دنبال ریشه‌های مشکلات و ارائه راه‌حل‌های پایدار است. این در حالی است که روان‌شناسی زرد با ارائه توصیه‌های کلی و غیرشخصی، تلاش می‌کند تا به همه افراد یک نسخه واحد ارائه دهد.»

زین‌العابدین معتقد است انسان‌ها با تاریخچه‌ها و تجربیات منحصر به فرد خود، نیازمند رویکردهایی هستند که به ریشه مشکلات آنها بپردازد و نه صرفاً به رفع موقت علائم. اینجاست که اهمیت تمایز بین روان‌شناسی زرد و علمی بیش از پیش آشکار می‌شود.

اهمیت سواد رسانه‌ای، ارتباطی و اطلاعاتی

این روان‌شناس با اشاره به اینکه کارشناسان معتقدند که برای رشد و توسعه فردی و اجتماعی در جامعه امروز، داشتن سه نوع سواد شامل سواد رسانه‌ای، سواد ارتباطی و سواد اطلاعاتی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، توضیح می‌دهد: «این مهارت‌ها نه تنها به شناخت بهتر اطلاعات و منابع کمک می‌کند، بلکه به افراد امکان می‌دهد تا در تعاملات اجتماعی و حرفه‌ای خود موفق‌تر عمل کنند.»

در این میان، سواد رسانه‌ای به توانایی تشخیص و ارزیابی منابع معتبر اطلاعاتی و رسانه‌ها اشاره دارد. این مهارت به مردم عادی کمک می‌کند تا از میان حجم عظیم اطلاعات موجود، داده‌های صحیح و قابل‌استناد را شناسایی کنند. زین‌العابدین می‌گوید: «با این حال، در کشور ما آموزش سواد رسانه‌ای تنها در یک کتاب درسی در مقطع متوسطه دوم ارائه می‌شود و هنوز جای کار بسیاری وجود دارد تا این مهارت به‌طور گسترده و از سنین پایین‌تر آموزش داده شود. از سوی دیگر، سواد ارتباطی به توانایی برقراری ارتباط موثر با دیگران می‌پردازد. به گفته این کارشناس، این مهارت شامل درک پیام‌ها، تعامل با دیگران و ارزیابی کیفیت ارتباطات است. به بیان دیگر سواد ارتباطی به افراد کمک می‌کند تا در مواجهه با منابع اطلاعاتی با دقت در تعامل با مشاوران و متخصصان، توانایی تشخیص صحت و صداقت طرف مقابل را داشته باشند. زین‌العابدین در نهایت به سواد اطلاعاتی که جایگزین رشته کتابداری نیست شده است، اشاره می‌کند که به توانایی مدیریت، تحلیل و استفاده از اطلاعات برمی‌گردد. «این مهارت در دنیای امروز که اطلاعات به سرعت در حال گسترش است، اهمیت زیادی دارد.»

شعارهایی که می‌توانند منجر به انزوای اجتماعی شوند

فضای مجازی پر از محتوای فریبنده‌ست. همه می‌خواهند حال آدم‌ها را خوب کنند و در این میان خیلی‌ها این کار را بدون دانش و مسئولیت‌اجت می‌دهند. روان‌شناسی واقعی شاید همیشه راحت نباشد، اما تنها مسیر درست است که می‌تواند به درک عمیق، سلامت روان و تغییر پایدار منجر شود. پس این ما هستیم که باید در بین یک لیوناد شیرین ولی بی‌خاصیت و یک داروی تلخ اما درمانگر را بشناسیم.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد

هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابری شماره ۱۴۰۴/۷/۶۵ مورخه ۱۴۰۴/۰۱/۱۳ هیأت اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض مبین زارع فرزند مجتبی بشماره شناسنامه ۰۰۰۳۵۶۰۶۲ صادره از اسدآباد درششادنگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۰۵۳۱۵۳ مترمربع درقسمتی از پلاک شماره ۱۲۵ اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسدآباد روستای ترخین آباد خریداری از مالک رسمی ولی اله فرزند مسیح اله مراد محرزگردیده است.لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود.در صورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوامه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم و پس از اخذرسیدظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضیادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادر خواهدشد. م الف: ۱۴۵

محسن حصرتی
رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد

هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابری شماره ۱۴۰۴/۷/۸۲ مورخه ۱۴۰۴/۰۱/۱۳ هیأت اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض عقیل صادق پور فرزند خاخرم بشماره شناسنامه ۰۰۰۵۷۹۸۸۰۰۰ صادره از اسدآباد درششادنگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۰۶۵۷۷۱ مترمربع درقسمتی از پلاک شماره ۲ فرعی ازشماره ۲۳ اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسدآباد روستای ترخین آباد خریداری از مالک رسمی سیدحسن سجادی محرزگردیده است. لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود.در صورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوامه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم و پس از اخذرسیدظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضیادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادر خواهدشد. م الف: ۱۵۲

محسن حصرتی
رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد

هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابری شماره ۱۴۰۴/۱۰/۸۲ مورخه ۱۴۰۴/۰۱/۱۳ هیأت اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض علی پارسی فرزند خستمت اله بشماره شناسنامه ۰۰۰۵۷۹۸۸۰۰۰ صادره از اسدآباد درششادنگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۰۶۵۷۷۱ مترمربع درقسمتی از پلاک شماره ۲ فرعی ازشماره ۲۳ اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسدآباد اراضی روستای قاسم آباد لک لک خریداری از مالک رسمی سیدعلی بزازفکن فرزند علی خاص موضوع سند شماره ۳۲۹۲۸ مورخه ۱۳۴۸۰/۰۱/۳۰ دفتر ۵ همدان ۲۷۲۴۴۴ مورخه ۱۳۵۱/۱۲/۱۹ دفتر ۱۶ اسدآباد محرز گردیده است.لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود.در صورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوامه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم و پس از اخذرسیدظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضیادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادر خواهدشد. م الف: ۲۲۸

محسن حصرتی
رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد

هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابری شماره ۱۴۰۴/۱۰/۷۹ مورخه ۱۴۰۴/۰۱/۱۳ هیأت اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض معطفی بزازفکن فرزند سیدعلی بشماره شناسنامه ۰۰۰۵۷۹۸۸۰۰۰ صادره از اسدآباد درششادنگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۰۶۵۷۷۱ مترمربع درقسمتی از پلاک شماره ۲ فرعی ازشماره ۲۳ اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسدآباد اراضی روستای قاسم آباد لک لک خریداری از مالک رسمی سیدعلی بزازفکن فرزند علی خاص موضوع سند شماره ۳۲۹۴۴ مورخه ۱۳۵۸۰/۰۶/۲۵ دفتر ۱۶ اسدآباد و علی خاص بزازفکن فرزند عیوض ۲۷۱۹۴ مورخه ۱۳۵۱/۱۲/۱۹ دفتر ۱۶ اسدآباد محرز گردیده است.لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود.در صورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوامه اعتراض خودرا به این اداره تسلیم و پس از اخذرسیدظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضیادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادر خواهدشد. م الف: ۲۲۴

محسن حصرتی
رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد

هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابری شماره ۱۴۰۴/۱۰/۸۰ مورخه ۱۴۰۴/۰۱/۱۳ هیأت اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک اسدآبادتصرفات مالکانه بلامعارض مرتضی بزازفکن فرزندسیدعلی بشماره شناسنامه ۰۰۰۴۷۵۰۰۰۰ صادره از اسدآباد درششادنگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۰۵۸۲۰۴۲۲ مترمربع درقسمتی از پلاک شماره ۲۳ اصلی واقع در بخش ۶ همدان حوزه ثبت ملک اسدآباد اراضی روستای ترخین آباد خریداری از مالک رسمی سیدعلی بزازفکن فرزند علی خاص موضوع سند شماره ۳۲۸۴۴ مورخه ۱۳۵۸۰/۰۶/۲۵ دفتر ۱۶ اسدآباد و علی خاص بزازفکن فرزند عیوض ۲۷۱۹۴ مورخه ۱۳۵۱/۱۲/۱۹ دفتر ۱۶ اسدآباد محرز گردیده است.لذا به منظوراطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود.در صورتی که اشخاص نسبت به صدورسند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشندمی توانندتاریخ انتشاراولین آگهی به مدت دوامه اعتراضی خودرا به این اداره تسلیم و پس از اخذرسیدظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضیادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادر خواهدشد. م الف: ۲۵۰

محسن حصرتی
رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان همدان

اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک اسدآباد

هیأت موضوع قانون تعیین وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی

آگهی تقاضای ثبت اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان اسدآباد

به استناد ماده ۱۰ آیین نامه اجرای قانون الحاق موادی به قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن مصوب ۱۳۸۸ درخواست متقاضی/ متقاضیان که درخواست ثبت نموده اند به شرح ذیل در یک نوبت آگهی می گردد:

۱- حسب به ششادنگ یک باب ساختمان مسکونی واقع در آجین بخش ۶ اسدآباد به پلاک ثبتی ۷۱/۱۷۲۴ و به مساحت ۱۲۳۴۵۴ مترمربع و به مالکیت یگانه مصطفایی فرزند مجیدعلی در راستای قانون ساماندهی و حمایت از تولید و عرضه مسکن رای صادر گردیده است. لذا به استناد ماده فوق هر کس نسبت به پلاکهای مندرج در این آگهی اعتراض دارد از تاریخ چاپ ظرف ۲۰ روز باید اعتراض خود را به صورت کتبی به اداره ثبت اسناد و املاک اسدآباد تسلیم و ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض خود را به مرجع قضایی تقدیم نماید. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکورعدم وصول اعتراض طبق مقررات سندمالکیت صادر خواهدشد. م الف: ۲۴۵

محسن حصرتی
رئیس ثبت اسناد واملاک اسدآباد

نوبت چاپ اول: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷
نوبت چاپ دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱

نبرد دو کراس‌اوور از شرق آسیا؛

بررسی فیدلیتی پرایم‌وتوسان ۲۰۱۷



در این گزارش، دو خودروی محبوب و پرطرفدار در بازار ایران، فیدلیتی و هیوندای توسان، به‌طور جامع و تخصصی مقایسه می‌شوند. این مقایسه شامل بخش‌های مختلف از مشخصات فنی گرفته تا طراحی داخلی و خارجی، ایمنی، آپشن‌ها، بازار و در نهایت ارزش خرید این دو خودرو خواهد بود.

بخش اول: مشخصات فنی

فیدلیتی

فیدلیتی خودرویی است که به بازار ایران معرفی شده و طراحی و فناوری آن از سوی شرکت بهمن موتور توسعه یافته است. این خودرو با موتور ۱/۵ لیتری ۴ سیلندر بنزینی توربوشارژر عرضه می‌شود که قادر است حداکثر ۱۵۵ اسب بخار قدرت و ۲۳۰ نیوتن متر گشتاور تولید کند. این موتور با یک گیربکس شش سرعته اتوماتیک همراه است که در کنار سیستم دیفرانسیل جلو، تجربه‌ای راحت و مطمئن از رانندگی به ارمغان می‌آورد. همچنین این خودرو دارای سیستم تعلیق مستقل مک‌فرسون در جلو و سیستم تعلیق چندمیل در عقب است که راحتی سفر را بهبود می‌بخشد.

هیوندای توسان

هیوندای توسان با موتورهای مختلف در بازار جهانی عرضه شده اما نسخه‌ای که در ایران بیشتر مورد توجه قرار گرفته، مدل ۱/۵ لیتری ۴ سیلندر بنزینی است که قادر به تولید ۱۵۵ اسب بخار قدرت و ۱۹۶ نیوتن متر گشتاور است. این خودرو نیز از گیربکس اتوماتیک شش سرعته استفاده می‌کند و سیستم دیفرانسیل جلو در آن قرار دارد. هیوندای توسان ۲۰۱۷ از سیستم تعلیق مک‌فرسون در جلو و سیستم تعلیق مستقل چندمیل در عقب بهره می‌برد که باعث نرمی و راحتی بیشتر در رانندگی می‌شود.

مقایسه مشخصات فنی

از نظر قدرت و گشتاور، فیدلیتی با ۱۵۵ اسب بخار قدرت و ۲۳۰ نیوتن متر گشتاور، کمی قوی‌تر از هیوندای توسان ۲۰۱۷ با ۱۵۵ اسب بخار و ۱۹۴ نیوتن متر گشتاور است. این تفاوت در قدرت به‌ویژه در شتاب خودرو تأثیرگذار است. با این حال، از نظر طراحی موتور و تکنولوژی‌های به‌کار رفته، هیوندای توسان ممکن است رانندمان بهتری در مصرف سوخت داشته باشد. در مجموع، فیدلیتی به‌دلیل قدرت بالاتر در استفاده‌های شهری و جاده‌ای عملکرد بهتری ارائه می‌دهد که به دلیل استفاده از توربوشارژر در موتور این خودروست که از سوی دیگر موجب افزایش استهلاک و حساسیت به بنزین ایران نیز هست.

بخش دوم: هندلینگ

هندلینگ فیدلیتی

فیدلیتی با اینکه خودرویی کراس‌اوور است و ابعاد نسبتاً بزرگ‌تری دارد اما در طراحی سیستم تعلیق و تنظیمات فنی آن، سعی شده تا هندلینگ مناسبی به راننده ارائه دهد. سیستم تعلیق: فیدلیتی از سیستم تعلیق مستقل مک‌فرسون در جلو و سیستم مستقل دولو در عقب استفاده می‌کند. این سیستم تعلیق به فیدلیتی این امکان را می‌دهد که در مسیرهای ناهموار یا هنگام ورود به پیچ‌ها، پایداری خوبی از خود نشان دهد. البته این سیستم به اندازه‌ای که باید نرم و منعطف نیست و در برخی مواقع می‌تواند کمی خشکی در عبور

امپیر

بیشترین افزایش داخلی		بیشترین کاهش داخلی		بیشترین افزایش خارجی		بیشترین کاهش خارجی	
۱	راید ۱۵۱ SE – ۱۴۰۳	+۱۵	۳۷۵ میلیون تومان	۱	تارا اتوماتیک LXV۴ – ۱۴۰۳	-۱۰	۰۸۰ میلیون تومان
۲	اطلس G۱ نندای – ۱۴۰۴	+۱۰	۶۶۰ میلیون تومان	۲	ننا پلاس EFV۴ دنده – ۱۴۰۴	-۱۰	۰۳۰ میلیون تومان
۳	پژو ۲۰۷ پانوراما نندای – ۱۴۰۳	+۱۰	۸۸۰ میلیون تومان	۳	پژو ۲۰۷ اتوماتیک TU۵P – ۱۴۰۳	-۱۰	۹۸۰ میلیون تومان
۴	رانا پلاس – ۱۴۰۳	+۵	۷۴۵ میلیون تومان	۴	سورن پلاس XU۷P بنزینی – ۱۴۰۴	-۱۰	۷۳۰ میلیون تومان
۵	زامیاد وانت‌نسان بنزینی – ۱۴۰۳	+۵	۶۵۰ میلیون تومان	۵	اطلس G۱ نندای – ۱۴۰۴	-۵	۵۸۵ میلیون تومان

بیشترین افزایش خارجی		بیشترین کاهش خارجی	
۱	هونگچی QM۵-E – ۲۰۲۴	+۵۲	۱۷۰۰ میلیون تومان
۲	هایما VXX تورو – ۱۶۰۴	+۵۱	۲۰۵۰ میلیون تومان
۳	فونیکس EX پریمیوم AWD – ۱۴۰۳	+۳۱	۲۶۵۰ میلیون تومان
۴	یامالو اتوماتیک ۶ سرعته – ۱۴۰۳	+۳۰	۱۵۹۰ میلیون تومان
۵	دیگنیتی پرستیز – ۱۴۰۴	+۲۰	۲۶۴۰ میلیون تومان

بیشترین افزایش خارجی		بیشترین کاهش خارجی	
۱	فیدلیتی پرایم تیپ ۱ (۵ نفره) – ۱۴۰۴	-۳۰	۰۷۰ میلیون تومان
۲	فونیکس تیگو ۷ پرو مکس – ۱۶۰۳	-۲۰	۶۸۰ میلیون تومان
۳	کی ام سی TA – ۱۴۰۴	-۲۰	۱۸۸۰ میلیون تومان
۴	ام سی X۵ ۱.۵ لیتر توربو – ۱۴۰۳	-۱۰	۱۸۹۰ میلیون تومان
۵	ام‌وی‌ام X۵۵ PRO IE – ۱۴۰۴	-۹	۱۷۴۰ میلیون تومان

جلوپنجره‌های بزرگ و چراغ‌های کشیده به جلو با طراحی مدرن و همگام با روند طراحی جهانی خودروهای هیوندای، ظاهری شیک و لوکس به این خودرو بخشیده است

مقایسه طراحی بیرونی

هر دو خودرو از نظر طراحی جذاب هستند، اما فیدلیتی طراحی کمی تهاجمی‌تر و اسپرت‌تری دارد که برای کسانی که به دنبال خودرویی با ظاهر پر قدرت هستند مناسب است. در مقابل، هیوندای توسان ۲۰۱۷ طراحی ظریف‌تر و کلاسیک‌تری دارد که ممکن است برای افرادی که به دنبال خودرویی لوکس‌تر و با طراحی محافظه کارانه هستند، جذاب‌تر باشد.

بخش پنجم: طراحی داخلی و کابین

فیدلیتی

کابین فیدلیتی نسبتاً جادار است و از مواد با کیفیت متوسط استفاده شده. صفحه نمایش لمسی ۱۰ اینچی، سیستم صوتی حرفه‌ای و فضای نشیمن راحت و ویژگی‌های داخلی این خودرو به شمار می‌آید. صندلی‌های جلو و عقب راحت هستند اما طراحی کابین کمی ساده و بدون جزئیات لوکس است.

هیوندای توسان

کابین هیوندای توسان ۲۰۱۷ بسیار باکیفیت است و از مواد نرم و لوکس برای طراحی داخلی آن استفاده شده است. صفحه نمایش ۷ اینچی لمسی، سیستم صوتی ممتاز و طراحی ارگونومیک صندلی‌ها تجربه‌ای راحت و لذت‌بخش از رانندگی فراهم می‌آورد. همچنین فضای صندوق عقب و جای پا در هیوندای توسان کمی بیشتر از فیدلیتی است.

مقایسه طراحی داخلی و کابین

در اینجا، هیوندای توسان ۲۰۱۷ برتری قابل‌توجهی در زمینه کیفیت مواد و ارگونومی دارد. کابین فیدلیتی بیشتر بر راحتی تمرکز دارد و طراحی آن بیشتر ساده است. هیوندای توسان از جنبه‌های لوکس‌تر و کیفیت بالاتر مواد استفاده کرده که تجربه‌ای بسیار راحت‌تر و دلپذیر تر را فراهم می‌کند.

بخش ششم: بازار خودرو و نقدشوندگی

فیدلیتی

این خودرو به‌دلیل برند بهمن و حضور محدودتر در بازار ایران، از لحاظ نقدشوندگی کمتر از هیوندای توسان عمل می‌کند. با این حال، فیدلیتی به‌دلیل قیمت مناسب‌تر، در میان خریداران ایرانی محبوبیت خوبی دارد.

هیوندای توسان

هیوندای توسان ۲۰۱۷ به‌عنوان خودرویی شناخته‌شده و معتبر در بازار ایران از نقدشوندگی بالاتری بر خوردار است. برند هیوندای در ایران از شهرت زیادی بر خوردار است و این امر باعث می‌شود که قیمت‌های فروش دست دوم هیوندای توسان بالا باشد.

مقایسه بازار و نقدشوندگی

اگر به‌دنبال خودرویی با نقدشوندگی بالاتر و برند معتبر تر هستید، هیوندای توسان انتخاب بهتری است. فیدلیتی شاید قیمت کمتری داشته باشد اما نقدشوندگی آن به‌اندازه هیوندای توسان نیست.

فیدلیتی

فیدلیتی به‌دلیل قیمت مناسب‌تر و ویژگی‌های قابل قبول، به‌عنوان یک خودروی اقتصادی برای خانواده‌ها و استفاده‌های روزمره گزینه‌ای مناسب است.

هیوندای توسان

هیوندای توسان ۲۰۱۷ با طراحی لوکس، کیفیت ساخت بالا و سیستم‌های ایمنی پیشرفته، به‌عنوان خودرویی با ارزش خرید بالا در نظر گرفته می‌شود. اگر به دنبال خودرویی با عملکرد عالی و برند معتبر هستید، هیوندای توسان گزینه بهتری خواهد بود.

نقد نهایی و نتیجه‌گیری

در مجموع، هر دو خودرو فیدلیتی و هیوندای توسان نقاط قوت و ضعف خاص خود را دارند. فیدلیتی به‌دلیل قیمت پایین‌تر، قدرت موتور بالاتر و قابلیت‌های خوب برای استفاده شهری، خودرویی مناسب برای خانواده‌ها و افرادی است که به‌دنبال خودرویی با قیمت مناسب هستند. در حالی که هیوندای توسان ۲۰۱۷ با طراحی لوکس‌تر، کیفیت ساخت بالاتر و سیستم‌های پیشرفته‌تر ایمنی، ارزش خرید بالاتری دارد و برای افرادی که به دنبال خودرویی با عملکرد بیشتر و نقدشوندگی بالا هستند، گزینه بهتری است.

بخش چهارم: طراحی بیرونی

فیدلیتی

طراحی فیدلیتی از سبک مدرن و جذاب برخوردار است. این خودرو دارای جلوپنجره بزرگ و چراغ‌های LED دایره‌ای شکل است که ظاهری خشن و اسپرت به آن می‌بخشد. خطوط بدنه نیز به‌طور مناسبی از جلو به عقب کشیده شده و هماهنگی مناسبی با طراحی کلی خودرو دارد.

هیوندای توسان

هیوندای توسان ۲۰۱۷ با طراحی مینیمالیستی و خطوط نرم و منحنی به بازار معرفی شده است.



چراغ چک

بازار خودرو در اغما

تعویق مذاکرات هم این بازار را

بیدار نکرد

بازار خودرو دو سال است که درگیر کود شده اما تقریباً از آبان ماه پارسال این بازار تقریباً به تمام اتفاقات پیرامون خود و جهان بی‌خس شده و کمتر عملی باعث می‌شود تا حتی جهشی کوتاه در این بازار رخ دهد. برخی این رکود را ثبات می‌نامند اما واقعیت این است که تعریف ثبات در شرایط استاندارد معنا پیدا می‌کند، این بازار یک رویه افزایش قیمت پله‌ای کم و تدریجی را در کنار رکود در پیش گرفته است. تعویق دور جدید مذاکرات هسته‌ای در رم، بازار ارز و به‌دنبال آن بازار خودرو را وارد فاز تازه‌ای از نوسان و بی‌ثباتی کرد. قیمت خودروهای وارداتی در ابتدای هفته جهش داشت اما معاملات داخلی به رکود رفت. فعالان بازار می‌گویند این افزایش پایداری نبود، چرا که پس از اعلام تعویق رسمی مذاکرات، انتظارات به سمت کاهش نرخ ارز میل کرد و بسیاری از خریداران فلا دست نگه داشته‌اند.

در بازار خودروهای داخلی، اوضاع متفاوت بود. هر چند قیمت کارخانه‌ای محصولات گروه‌های خودروسازی تغییر محسوسی نداشت اما در بازار آزاد برخی مدل‌های پر تقاضا با نرخ‌های بالاتر از قیمت رسمی عرضه شدند. کارشناسان می‌گویند نمایندگی‌های آزاد و نمایشگاه‌داران با توجه به شرایط مبهم سیاسی و ارزی، قیمت‌ها را یک تا دو میلیون تومان بالاتر از نرخ مصوب اعلام کرده‌اند.

با این حال، رکود در معاملات کاملاً محسوس است. بررسی‌ها نشان می‌دهد فروش خودروهای داخلی در هفته جاری حدود ۱۰ تا ۱۵ درصد کاهش داشته و حتی پلتفرم‌های آنلاین خرید و فروش خودرو نیز کاهش بیش از ۳۰ درصدی در آگهی‌های فروش فعال را تجربه کرده‌اند.

به اعتقاد کارشناسان، وضعیت فعلی بازار خودرو بیشتر از آنکه ناشی از کمبود عرضه باشد، تحت تأثیر فضای روانی بازار ارز و نگرانی‌های ناشی از بی‌ثباتی در چشم‌انداز مذاکرات است. خریداران تمایلی به خرید در نرخ‌های فعلی ندارند و فروشندگان نیز حاضر به تخفیف نیستند؛ همین وضعیت، رکود را عمیق‌تر کرده است.

در حالی که هنوز تاریخ جدیدی برای مذاکرات اعلام نشده، بازارها در حالت انتظار باقی مانده‌اند. در صورت آغاز مذاکرات با نتایج مثبت، انتظار می‌رود نرخ از کاهش بیشتری یابد و در نتیجه قیمت خودروهای وارداتی نیز متعادل‌تر شود. اما اگر تعویق‌ها تداوم یابد یا نشانه‌ای از تشدید اختلاف‌ها دیده شود، چشم‌انداز بازار خودرو در هفته‌های آینده همچنان با ابهام همراه خواهد بود.

دلایل افت قدرت موتور در تابستان و راهکارهای

جلوگیری از آن

علت افت توان موتور در تابستان

علت اصلی خرابی دینام و راهکارهای جلوگیری از آن دینام یکی از اجزای حیاتی سیستم شارژر خودرو است که وظیفه تأمین برق مورد نیاز برای شارژر باتری و تأمین انرژی سایر اجزای الکتریکی خودرو را بر عهده دارد. این قطعه انرژی مکانیکی حاصل از حرکت موتور را به انرژی الکتریکی تبدیل می‌کند و به باتری خودرو شارژ می‌دهد. دینام معمولاً شامل یک استاتور، روتور، بلبرینگ و یک سیستم تنظیم ولتاژ است. خرابی دینام می‌تواند به‌سرعت مشکلات جدی در سیستم برق‌رسانی خودرو ایجاد کرده و عملکرد بسیاری از قطعات الکتریکی مانند چراغ‌ها، سیستم تهویه و رادیو را مختل کند.

علت اصلی خرابی دینام

یکی از رایج‌ترین علل خرابی دینام، فرسایش بلبرینگ‌ها است. این بلبرینگ‌ها به مرور زمان به دلیل اصطکاک زیاد خراب و باعث می‌شوند که دینام نتواند به درستی بچرخد. خرابی تسمه یا افت فشار تسمه دینام هم از دیگر دلایل خرابی دینام است. اگر تسمه دینام به اندازه کافی محکم نباشد یا آسیب دیده باشد، دینام قادر به تولید برق کافی نخواهد بود. همچنین، اختلال در سیستم ولتاژ یا خرابی رگولاتور ولتاژ می‌تواند باعث ایجاد نوسانات برق و آسیب دیدن دینام شود.

راهکارهای جلوگیری از خرابی دینام

برای جلوگیری از خرابی دینام و صرف هزینه‌های زیاد تعمیر، برخی اقدامات پیشگیرانه می‌تواند مفید باشد. اولین قدم بازرسی منظم تسمه است؛ اگر تسمه دینام شل یا ساییده شده باشد، باید تعویض شود تا از خرابی دینام جلوگیری شود. علاوه بر این، نگهداری صحیح از سیستم برق‌رسانی و اطمینان از عملکرد صحیح باتری خودرو می‌تواند به افزایش عمر دینام کمک کند. چکاپ‌های دوره‌ای و رسیدگی به بلبرینگ‌ها و قطعات متحرک دینام به حفظ کارکرد صحیح آن کمک می‌کند. همچنین، رانندگی با دقت و پرهیز از روشن و خاموش کردن مکرر موتور و خاموش نماندن طولانی خودروی شما می‌تواند فشار روی دینام را کاهش دهد و از خرابی زودرس آن جلوگیری کند.

کلاس خودرو

پیکاپ‌ها: قدرت، کاربرد و لوکسی

که فراتر از باربری است

پیکاپ‌ها خودروهایی هستند که معمولاً برای مصارف باربری و تجاری طراحی می‌شوند. این خودروها براساس پلتفرم خودروهای SUV ساخته می‌شوند و ویژگی‌های خاصی دارند که آنها را از سایر خودروها متمایز می‌کند. به‌طور کلی، پیکاپ‌ها برای جابه‌جایی بار و حمل وسایل سنگین طراحی شده‌اند اما در بسیاری از بازارها، به‌ویژه در کشورهای مانند ایران، برخی از مدل‌های پیکاپ، مثل تویوتا هایلوکس، جنبه‌های لوکس پیدا کرده‌اند و برای استفاده‌های شخصی و تفریحی نیز به‌کار می‌روند.

ویژگی‌های اصلی پیکاپ‌ها

پیکاپ‌ها چند ویژگی اصلی دارند که آنها را در سگمنت خود متمایز می‌کند: ۱. پلتفرم SUV: اکثر پیکاپ‌ها براساس پلتفرم خودروهای SUV طراحی می‌شوند که به آنها امکان می‌دهد علاوه بر قابلیت‌های باربری، ویژگی‌های یک خودروی شاسی بلند را نیز داشته باشند.

۲. فضای بار بزرگ: یکی از ویژگی‌های برجسته پیکاپ‌ها، فضای بار بزرگ و مجزا است که معمولاً در قسمت پشت خودرو قرار دارد. این فضای بار برای جابه‌جایی بارهای سنگین و تجهیزات مختلف طراحی شده است.

۳. قدرت و توان بالا: پیکاپ‌ها معمولاً دارای موتورهای قدرتمند و قابلیت‌های کشش بالا هستند که آنها را برای حمل بارهای سنگین و سفرهای خارج از جاده مناسب می‌کند.

۴. شاسی بلند و دوام بالا: پیکاپ‌ها معمولاً از شاسی بلند بهره می‌برند که باعث افزایش استحکام و دوام خودرو می‌شود.

پیکاپ‌ها در بازار ایران

در ایران، پیکاپ‌ها همچنان برای مصارف تجاری و کشاورزی استفاده می‌شوند، اما مدل‌های مثل تویوتا هایلوکس به دلیل طراحی و امکانات رفاهی بالا، به‌عنوان خودروهایی لوکس نیز شناخته می‌شوند.



نمی‌دانیم پیامک‌های حجاب از کجا ارسال می‌شود!

بهروز آذر: لایحه زنان را پس گرفتیم چون به نتیجه رسیدیم که دیگر اثر بخشی لازم ندارند

این موارد را از طریق تصویب قانون کاهش دهم

و پیشگیری اثربخشی داشته باشیم.

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با تأکید بر اینکه درباره عنوان لایحه مناقشه‌ای نداشتیم، خاطر نشان کرد: در واقع هدف ما کاهش این رفتارها است که البته در جامعه ما حداقلی هستند، اما برای جامعه ایران اسلامی حتی یک مورد آن هم زیاده‌است.

وی ادامه داد: به اعضای حاضر در کمیسیون زنان و خانواده در مجلس اعلام کردیم که اگر درباره استفاده از کلمه خشونت حساسیت دارید نام یا تعبیر دیگری به کار برید که این موضوعات را در بر بگیرد، حتی پیشنهاد دادیم از واژه سوء رفتار یا ظلم استفاده کنند، اما متنی که در نهایت آمده شامل این بود که نه تنها واژه خشونت حذف شد، بلکه بخش عمده‌ای از موادی که صریحا به پیشگیری از این موضوعات منجر می‌شد نیز حذف و با موارد دیگر جایگزین شد.

بهروز آذر تأکید کرد: در نهایت، در متن پیشنهادی هیچ کدام از این موارد در نظر گرفته نشده بود و دیدیم دیگر اثر بخشی لازم را ندارند بنابراین در دولت تصمیم گرفته شد که به سمت استرداد لایحه برویم.

پیامک‌های حجاب به دختران از کجا ارسال می‌شود

معاون رئیس‌جمهور در خصوص ارسال پیامک‌های حجاب به دختران افزود: در حال حاضر می‌خواهیم بدانیم دقیقا کدام نهاد پیام‌ها را ارسال می‌کند، هنوز پاسخی نداریم. دنبال این هستیم که مشخص شود میدا این پیامک‌ها کجاست و با چه هدفی ارسال می‌شود و ذیل کدام قانون است، چون هنوز این اطلاعات دقیق جمع‌آوری نشده، نمی‌توانم گزارش دهم. اما در جلسات مختلفی که در این ۹ ماه شرکت کردم، تقریبا می‌توانم به جرات بگویم که در هیچ کدام از نهادهای مسئول نگاهی وجود ندارد که بخواهد کرامت زنان را حفظ نکند یا دنبال ایجاد تنش یا دو قطبی‌سازی باشد.

رصد آسیب‌ها و برنامه رفع آن به عهده سازمان اجتماعی است

بهروز آذر در پاسخ به سوالی درباره برنامه‌های دولت در مورد کاهش آسیب‌های اجتماعی گفت: موضوع آسیب‌های اجتماعی و کاهش آن برای دولت اهمیت ویژه دارد. در ساختار دولت، سازمان امور اجتماعی کشور را داریم که موظف است آسیب‌ها را مدام رصد کند و برای هر کدام برنامه داشته باشد. در معاونت زنان نیز ناظر فعالیت‌های آن‌ها هستیم تا اگر موضوعاتی نیاز به تهیه برنامه داشته باشند را در اولویت قرار دهیم.

چهار سال از ارسال لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» که بعدها به «حفاظت از زنان در برابر سوء رفتار» تغییر نام داد، می‌گذرد؛ لایحه‌ای که حتی دو سال از تصویب کلیات آن نیز می‌گذرد اما چندروز پیش دولت به علت حذف کامل یک ماده و حذف و جایگزینی موضوعات متعدد دیگر، حذف واژه خشونت در نام لایحه و اصلاح ماده ۶۱۲ قانون مجازات اسلامی که در جریان بررسی کمیسیون اجتماعی مجلس رخ داد، این لایحه را پس گرفت.

چرا دولت

لایحه حمایت از زنان را پس گرفت

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با اشاره به حذف برخی بندهای پیشنهادی لایحه حمایت از زنان، گفت: با توجه به تغییرات ایجاد شده در این لایحه به نتیجه رسیدیم که دیگر اثر بخشی لازم را ندارند از این رو در دولت تصمیم گرفته شد که به سمت استرداد برویم.

زهرآهروز آذر به ایرنا گفت: به محض تشکیل دولت چهاردهم، برخی لوائح که پیش از این به مجلس فرستاده شده بود، دوباره در دستور کار قرار گرفت.

وی با بیان اینکه لایحه «حفظ کرامت و حمایت از زنان در برابر خشونت» یکی از این لوائح است افزود: مذاکرات زیادی انجام شد که حتماً این لایحه هر چه زودتر در دستور کار قرار گیرد و تعیین تکلیف شود. این لایحه قضایی بود و انتظار می‌رفت طبق روال در کمیسیون حقوقی قضایی بررسی شود، اما امیدیم که به کمیسیون اجتماعی ارجاع شده است، بعد از اینکه در این کمیسیون مورد بررسی قرار گرفت دوباره به کمیسیون زنان و خانواده ارسال شد.

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با بیان اینکه این لایحه یک روحی داشت مبنی بر این که خشونت در یک لحظه اتفاق نمی‌افتد، گفت: خشونت یک نقطه شروع دارد و یک مسیری را طی می‌کند تا به مرحله برسد، شاید بتوان گفت چهار مرحله دارد که آخرین آن مرحله‌ای است که می‌بینیم، باور داریم در پیشگیری از خشونت باید هر چهار مرحله دیده شود. برای مثال یکی از موارد مطرح شده در لایحه این بود که چرا برخی افراد دچار خشونت می‌شوند؟

یکی از دلایل این است که افراد مهارت‌های گفت‌وگو، کنترل خشم و حل تعارض را ندارند، سوال اینجاست که این مهارت‌ها در چه سنی باید آموخته شود که قطعا در سنین کودکی و نوجوانی یعنی قبل از اینکه شاکله وجودی فرد شکل بگیرد، باید به این موضوعات پرداخته شود. وی افزود: با این رویکرد، بندی در شرح وظایف آموزش و پرورش پیشنهاد شد مبنی بر اینکه بالا بردن این مهارت‌ها جزو اولویات آموزش و پرورش قرار گیرد و این موارد را به کودکان آموزش دهند، اما متأسفانه این ماده در لایحه به طور کامل حذف شد.

بهروز آذر با اشاره به اقدامات ۱۳ ساله کارشناسان



گزارش «هفت صبح» از ضرورت انتقال زندان مرکزی سنندج به خارج از شهر

همسایه با ترس

- سال‌هاست مذاکرات سلسله‌وار برای خروج این زندان که مصوبه‌ها و تأییدیه‌های هیأت دولت را دارد؛ هنوز به نقطه پایان نرسیده است
- بچه‌های یک زندانی همیشه‌واهمه دارند که هنگام ورود و خروج از محیط زندان، با دوست، هم‌کلاسی یا آشنایی برخورد کنند

شیروان یاری روزنامه‌نگار	سال‌هاست دیوارهای سیمانی و سیم‌های خاردار به تصویر ثابت این خیابان تبدیل شده است. آن سوی دیوار و سیم‌های خاردار حکایت میله‌های فولادی است و سلول‌های کوچک و آدم‌هایی که تمام دنیای‌شان چار دیواری سلول‌شان است. درباره زندان مرکزی سنندج حرف می‌زنیم. همسایه‌ای عبوس، خاکستری و سرد.
------------------------------------	---

هم‌رختنگی آلمان‌های بصری و عدم توسعه فضای سبز شهری است.

او می‌گوید: موقعیت جغرافیایی ساختمان زندان سنندج هر روز به شهروندانی که می‌خواهند از این مسیر گذر می‌کنند به جای خلق لحظه‌هایی پر نشاط، غمی غریب در دل‌شان می‌ریزد. همسایه‌های پایین دست زندان هم بی‌صبب از غم و دل‌تنگی‌های زندانیان نیستند. عرصه چند هکتاری این زندان چنان در وسط شهر جا خوش کرده که هر نفسی در این محدوده، طعم دل‌تنگی و دلهره زندان دارد.

به گفته این فعال مدنی، سال‌هاست مذاکرات سلسله‌وار و بی‌نتیجه برای خروج این زندان که مصوبه‌ها و تأییدیه‌های هیأت دولت را دارد هنوز به نقطه پایان نرسیده است و جلسات کارشناسی برای تبدیل زندان‌ها در کشور به پارک، فضاهای آموزشی یا مسکن همچنان در حال انجام است: بر اساس قانون، سازمان زندان‌ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مکلف است اراضی و مستحقات مربوط، اعم از عرصه و اعیان را مطابق این قانون و آیین‌نامه اجرایی آن به وزارت مسکن

«جبار طهماسبی» کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی به هفت‌صبح می‌گوید از زمان تصویب قانون انتقال زندان‌ها از محدوده‌های شهری عملا اقدام خاصی برای خروج زندان‌ها بر اساس تکالیف این قانون انجام نشده و معطل ماندن این طرح نه تنها در سنجند، بلکه در شماری از کلانشهرهای کشور نیز مورد پرسش جدی است.

به اعتقاد او، نشانه‌های زندان فراتر از دیوارهای یکنواخت و بلند سیمانی است که تاجی از سیم خاردار بر سرش نشاندۀ منظر شهری در محله ارشد سنندج تقاطع خیابان اکباتان و طالقانی را برهم زده است.

تبعات حضور زندان در قلب شهر

طهماسبی، حضور زندان مرکزی سنندج در داخل شهر را از منظر توسعه شهری و تأثیر بر روحیه جوانان و نوجوانان منفی می‌داند: متأسفانه شماری از دانش‌آموزان در فصل تحصیل، شاهد صحنه‌های انتقال زندانیان به مراجع قضایی توسط ماشین‌های پلیس، ون‌ها و مینی‌بوس‌های ویژه حمل زندانیان هستند که تأثیر روانی آن تا سال‌ها می‌ماند.

او به فرو ریختن دیوارهای بلند زندان قصر تهران که در سال ۱۳۸۳ توسط بولدوررها و بیل‌های مکانیکی یکی یکی فرو ریخت اشاره و تأکید می‌کند که بعد از فرو ریختن زندان، هر سال که از نبود زندان می‌گذرد، منظره پیش از آن «جوار پرشکای» پیشکسوت دیگری بود که در رنگ زندگی جای خالی زندان قصر را بیشتر پر می‌کند.

این‌دانش آموخته حقوق کیفری و جرم‌شناسی انتقال زود هنگام زندان مرکزی سنندج به خارج شهر را یک رسالت مهم مطابق قانون تصویب انتقال زندان‌ها می‌داند: هر گونه تعلل در انتقال این زندان نه تنها نماد محرز تعرض بر حق شهروندان بلکه عامل ناامنی روانی، عدم توسعه شهری، به

گزارش

شمت و دو سال ایستادگی دوبله در برابر فراموشی

صدای ماندگار یک نسل

ادامه از صفحه اول

سپس نوبت به تجلیل از «سعید مظفری» رسید که در این جشن حضور نداشت و کلیبی از کارهای دوبله این پیشکسوت هنر دوبله پخش شد. پس از آن «جواد پرشکایان» پیشکسوت دیگری بود که در ادامه از او تجلیل شد. وی در سخنانی کوتاه تأکید کرد: قدم همه شمارا به روی چشم‌مان می‌گذارم، ممنون که در این جشن حضور پیدا کردید. این سالگرد را به همه دیولورها و هنرمندان دوبله تبریک می‌گویم. هنر به طور کلی عشق است و هرگز نمی‌میرد. در ادامه از «محمد یارا حمدی» تجلیل به عمل آمد که این هنرمند به دلیل کسالت و بستری بودن در بیمارستان در این مراسم حضور نداشت و علیرضا باشکندی (دامادش) برای دریافت لوح تقدیر به روی صحنه آمد. سپس از «ناهد امیریان» تجلیل به عمل آمد و این هنرمند دوبله هم در مراسم حضور نداشت. پس از آن با پخش کلیبی از دوبله‌های «تورج نصر» از او دعوت شد تا به روی صحنه بیاید.

در ادامه نوبت به تجلیل «عباس نباتی» پیشکسوت

دوبله رسید. نباتی پس از تجلیل از بر گزار کنندگان

این جشن گفت: واقعا از برپایی این جشن بسیارگدازم زیرا برپایی چنین مراسمی بسیار دشوار است، شما وقتی خودتان دو تا مهمان به خانه‌تان دعوت می‌کنید از صبح درگیر هستید! حالا تصور کنید چنین جشنی با حضور تمام هنرمندان دوبله بر گزار شده است و واقعا دست مریزاد دارد. در ادامه مراسم از محمدعلی دیباج، یکی از چهره‌های با سابقه و خوش نام دوبله ایران با اهدای لوحی تقدیر شد. دیباج در سخنانی کوتاه از برگزار کنندگان مراسم تشکر کرد و ابراز امیدواری کرد که این گونه به برنامه‌ها در سال‌های آینده نیز تکرار شود.

سپس سعید شیخ‌زاده از دیولورها شناخته‌شده نسل جدید روی صحنه آمد و با احساسی صمیمی گفت: «پیشکسوتان دوبله مثل پدر و مادرهای خوبی هستند که با صداهایشان برای ما خاطره ساختند. اگر امشب در این جمع هستیم، به‌خاطر آنهاست. پیشکسوتان ما هویت سینمای ایران را شکل دادند. کافی‌ست فیلم «فیصر» را با چشم‌های

و شهرسازی واگذار کنند. وزارت مسکن نیز موظف است ظرف حد اکثر ۱۰ سال، ضمن تأمین اراضی مناسب از محل فروش اراضی و مستحقات مزبور با تغییر کاربری یا بدون آن و اعتباراتی که هر ساله در بودجه کل کشور در ردیف مستقل پیش‌بینی می‌شود، نسبت به ایجاد زندان‌ها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی مورد نیاز اقدام کرده و پس از تکمیل در اختیار سازمان زندان‌ها قرار دهد.

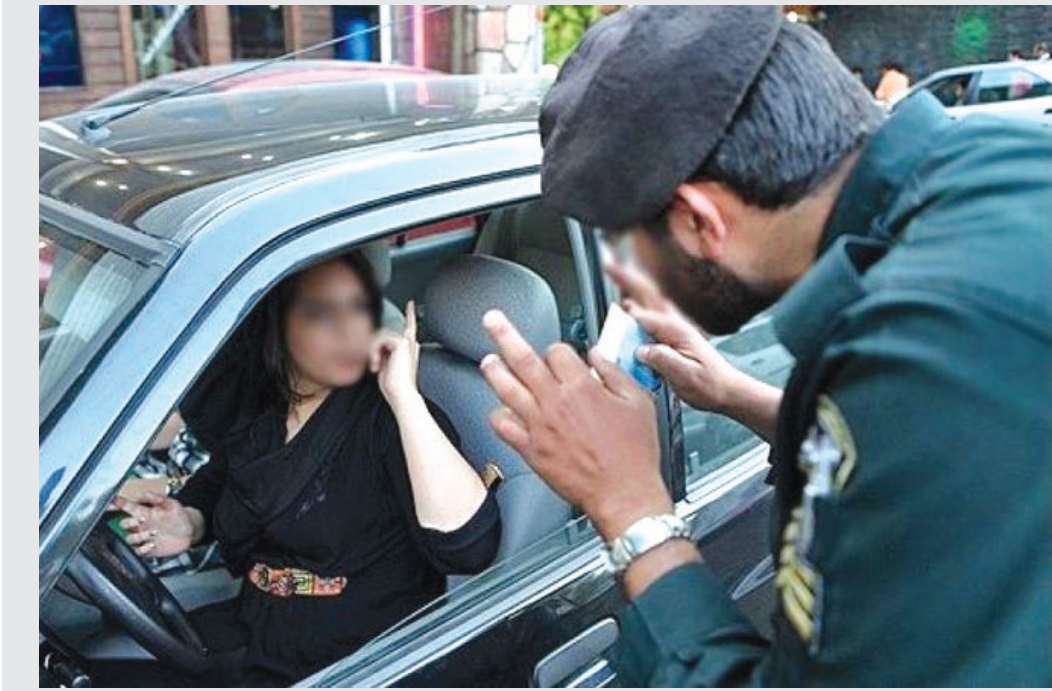
زخم عمیق زندان بر روح شهروندان

دکترای روانشناسی و مشاور خانواده نیز از سه بُعد خانواده زندانی، خود زندانی و شهروندان به تحلیل این موضوع می‌پردازد: برای خانواده زندانی وجود زندان در فضای شهری تأثیر بسیار منفی دارد به ویژه خانواده زندانی دارای فرزند که قصد ملاقات با پدر، مادر یا بستگان درجه یک در زندان را دارند.

«هادی نقدی» توضیح می‌دهد که بچه‌های یک زندانی همیشه‌واهمه دارند که هنگام ورود و خروج از محیط زندان با دوست، هم‌کلاسی یا آشنایی برخورد کنند و این تأثیر روانی بر

موقعیت جغرافیایی ساختمان زندان سنندج هر روز به شهروندانی که می‌خواهند از این مسیر گذر می‌کنند به جای خلق لحظه‌هایی پر نشاط، غمی غریب در دل‌شان می‌ریزد.

همسایه‌های پایین دست زندان هم بی‌نصبب از غم و دل‌تنگی‌های زندانیان نیستند. عرصه چند هکتاری این زندان چنان در وسط شهر جا خوش کرده که هر نفسی در این محدوده، طعم دل‌تنگی و دلهره زندان دارد



آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۲۱۰۰۰۰۳۷۶ مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۰ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی خاتم رحله اقا حسینی اشکانندی به شناسنامه شماره ۵۸۴ کد ملی صادره فرزند رضا نسبت به ۲ دانگ ۲ مشاع از ششدانگ یک باب ساختمان به مساحت ۱۸۲/۵۳ متر مربع پلاک شماره ۱۷۷۴ مشاع واقع در اصفهان بخش ۶ حوزه ثبت ملک جنوب شرق اصفهان تأیید انتقال عادی و مع الواسطه از طرف بدالله حسینی مورخ ۱۳۵۰/۰۴/۲۸ دفتر ۲ اصفهان بعنوان مالک رسمی قسمتی از پلاک میباشد) محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به

فراماب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور اعتراضی داشته باشند میبایند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراضی دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراضی طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

حمیدرضا خسروی

رئیس ثبت اسناد و املاک

شناسه آگهی: ۱۹۱۵۵۵۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۰۲/۲۷

مصنوعی به دوبله و دیگر هنر ها بااستیم و از هنرمندان این عرصه دفاع کنیم.» در ادامه از فرشید شکیبی نیز به عنوان مدیری موفق در حوزه دوبلاژ تقدیر شد. شکیبی با قدردانی از دست‌اندر کاران مراسم، به‌ویژه آقای فریدزاده به‌عنوان طراح اصلی این برنامه، از علی دهکردی برای حمایت‌هایش و از مهوش افشاری برای تلاش‌هایش در حوزه مدیریت صنفی دوبله، صمیمانه تشکر کرد.

مراسم در حالی به پایان رسید که یک شصت‌ودومین سالگرد تأسیس انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم بریده شد و صدای تشویق حاضران آخرین صحنه این صفا پر خاطره را رقم زد. اما این گروه‌های هنر شبا جشنی برای تجلیل از افراد، بلکه نوعی مقاومت فرهنگی بود. یادآوری این نکته که دوبله بیش از یک فن، بخشی از هویت شنیداری ماست. صداها یی که فیلم‌ها را برپایان معنا کردند و حالا در مواجهه با هجوم زیرنویس‌ها و مصرف‌گرایی تصویری نیز نیازمند توجه بیشتر هستند.

حضر همراه شد. در ادامه، از سام قربیان، نرگس فولادوند، مریم رادپور و حسین بیگی دعوت شد تا روی صحنه بیایند و پیام تبریکی به مناسبت شصت‌ودومین سالگرد تأسیس انجمن گویندگان و سرپرستان گفتار فیلم ارائه دهند. سام قربیان با یادی از نوجوانی‌اش گفت: «وقتی ما نوجوان بودیم، صدایی برای نوجوانان وجود نداشت. اساتید دوبله بودند که من را تشویق کردند وارد این عرصه شوم. خوشحالم که در این جمع پذیرفته شدم.» در ادامه مراسم از علی‌همت مومینود، پیشکسوت عرصه دوبله، تجلیل شد. پس از آن، با حضور مهوش افشاری و عباس نباتی از علی دهکردی، مدیرعامل خانه سینما بابت حمایت‌هایش از انجمن تقدیر به‌عمل آمد. علی دهکردی در سخنانی کوتاه با اشاره به تهدیدهای نوظهور برای هنر صدا، گفت: «میدواریم با همکاری خانه سینما، دولت، سازمان سینمایی و قوه قضاییه بتوانیم سازو کاری قانونی طراحی کنیم که در برابر هجوم هوش

چشم جهان به دود سفید کلیسای سیستین دوخته شد

آغاز به کار کنکلاو برای انتخاب جانشین پاپ فرانسیس، رهبر جدید ۱.۴ میلیارد کاتولیک جهان

۲۰۲۵، تدابیر سختگیرانه‌تری در نظر گرفته شده: منطقه پرواز ممنوع بر فرساز رم، فناوری ضدپهپاد و مسدودکننده‌های فرکانس برای قطع ارتباطات تلفنی، قوانین پاپ ژان پل دوم در سال ۱۹۹۶ هر گونه دستگاه الکترونیکی، از رادیو تا ضبط‌کننده را ممنوع کرده و نقض سوگند محرمانگی می‌تواند به تفسیر منجر شود. با این حال، تجربه‌های گذشته، مانند افشای انتخاب پاپ بندیکت شانزدهم در سال ۲۰۰۵ توسط یک کاردینال آلمانی، نشان‌دهنده دشواری حفظ این رازداری است.

عجله برای انتخابی سریع

کاردینال‌ها که از تجربه‌های تاریخی و فشارهای عمومی آگاهند، تمایلی به طولانی شدن کنکلاو ندارند. کاردینال کریستوف شونبورن، با اطمینان از انتخاب زودهنگام یک «مرد مقدس و خردمند» سخن گفته است. این عجله ریشه در تاریخ دارد: طولانی‌ترین کنکلاو، بین سال‌های ۱۲۶۸ تا ۱۲۷۱، نزدیک به سه سال به درازا کشید تا اینکه فشار مردم و حتی برداشتن سقف اقامتگاه کاردینال‌ها به انتخاب پاپ گریگوری دهم منجر شد. اما در دهه‌های اخیر، کنکلاوها کوتاه‌تر شده‌اند و دو تا سه روز طول می‌کشند، مانند انتخاب پاپ فرانسیس در سال ۲۰۱۳ که در پنج دور رأی‌گیری طی دو روز به سرانجام رسید.



کنکلاو چیست؟

کنکلاو، آیینی باستانی و محرمانه است که در آن کاردینال‌های زیر ۸۰ سال برای انتخاب پاپ جدید در کلیسای سیستین گرد هم می‌آیند. این سنت، ریشه در قرون وسطی دارد و با آیین‌هایی نمادین همراه است. پس از مراسم عشای ربانی و اعلام «اکستر انمس» (همه بیرون)، درهای سیستین بسته و رأی‌گیری آغاز می‌شود. هر نامزد برای پیروزی به دوسوم آرا به علاوه یک رأی (۸۹ رأی از ۱۳۳) نیاز دارد. بر گه‌های رأی‌پس از هر دور سوزانده می‌شوند: دود سیاه نشانه عدم توافق و دود سفید نوید انتخاب پاپ جدید است. از سال ۲۰۰۵، واتیکان سیستمی الکتریکی را جایگزین روش سنتی سوزاندن کاه خیس کرده تا دود واضح‌تری تولید شود.

تهدید فناوری برای محرمانگی کنکلاو

محرمانگی کنکلاو که قرن‌ها با سوگند کاردینال‌ها و انزوای فیزیکی حفظ شده، اکنون زیر سایه پیشرفت‌های فناوری در معرض خطر است. در سال ۲۰۱۳، واتیکان با استفاده از جیمینگ الکترونیکی، قفس‌فشارادی و اسکنرهای ضدجاسوسی، از نشست اطلاعات جلوگیری کرد. برای کنکلاو

پنگه دنیا

جزیره سنگی زنده شد

دونالد ترامپ، دستور بازسازی و بازگشایی زندان مشهور و بدنام آلکاتراز را صادر کرد



روژنامهنگار

دونالد ترامپ روز یکشنبه در پستی در شبکه اجتماعی خود اعلام کرد به‌اداره زندان‌های فدرال، وزارت امنیت داخلی، وزارت دادگستری و دیگر نهادها دستور داده تا زندان آلکاتراز را بازسازی و به مرکزی «بزرگ‌تر و مدرن‌تر» برای نگهداری «خطرناک‌ترین و بی‌رحم‌ترین» مجرمان تبدیل کنند. ویلیام کی. مارشال، رئیس اداره زندان‌ها، با تأیید این دستور، گفت ارزیابی فوری برای تعیین نیازها و گام‌های بعدی آغاز شده است. ایده بازگشایی آلکاتراز، به گفته یک مقام ارشد کاخ سفید، مدت‌هاست در ذهن ترامپ بوده و او معتقد است این زندان می‌تواند برای مجسوس کردن مجرمانی مانند «کسانی که افراد بی‌گناه را به خطر می‌اندازند» مناسب باشد. هر چند انگیزه ناگهانی این تصمیم نامشخص است، برخی گمانه‌زنی‌ها به پخش فیلم «فرار از آلکاتراز» با بازی کلینت ایستوود در تلویزیون محلی فلوریدا اشاره دارند.

آلکاتراز: تاریخچه و دلایل تعطیلی

آلکاتراز، واقع در جزیره‌ای کوچک در خلیج سان فرانسیسکو، در سال ۱۹۳۴ به‌عنوان زندانی فدرال با «حداکثر امنیت و حداقل امتیاز» افتتاح شد. این زندان برای نگهداری سرکش‌ترین زندانیان، از جمله گانگسترهایی مانند آل کاپون و «ماشین‌گان» کلی، طراحی شده بود و تنها کمتر از یک درصد جمعیت زندانیان فدرال آن زمان (حدود ۲۶۰ تا ۲۷۵ نفر) را در خود جای می‌داد. زندانیان تنها حق دسترسی به غذا، لباس، سرپناه و مراقبت پزشکی را داشتند و هر امتیاز دیگری، مانند ملاقات با خانواده یا دسترسی به کتاب، مشروط به رفتارشان بود. در ۲۹ سال فعالیت، آلکاتراز شاهد بیش از ۱۲ تلاش برای فرار بود که برخی به بازداشت مجدد، کشته شدن یا غرق شدن فراری‌ها منجر شد. سرنوشت سه زندانی (فرانک موریس و برادران انگلیس) که در سال ۱۹۶۲ فرار کردند، همچنان رازی حل‌نشده است که الهام‌بخش فیلم ایستوود شد.

آلکاتراز در مارس ۱۹۶۳ به دلیل هزینه‌های سرسام‌آور

کیوسک

دیلی میل انگلیس، عکس و تیتز اصلی خود را به حضور خیابانی مردم این کشور به مناسبت هشتادمین سالگرد پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم و شکست آلمان اختصاص داد.

فیکواری

فیکواری فرانسه، تیتز اصلی خود را به تشکیل دولت ائتلافی آلمان توسط صدر اعظم جدید این کشور، فردریش مرز اختصاص و از ائتلاف بزرگ او با سوسیال‌دموکرات‌ها خبر داد.



چهره روز



کامالا هریس، معاون پیشین ریاست‌جمهوری آمریکا، دوشنبه‌شب برای نخستین‌بار با په فرش قرمز مت گالا گذشت و با لباسی خاص از برند «آف-وایت» (Off-White) توجه‌ها را به خود جلب کرد. این لباس با ترکیبی از ابریشم مشکی، آستین‌ی بلند و شال کشیده‌ای طراحی شده بود که با تم این مراسم یعنی «خرده‌کاری نفیس: خیاطی در سبک سیاه‌پوست‌ها»، همخوانی داشت. هریس در کنار همسرش داگ امهاف به این مراسم آمد؛ مراسمی که حالا سیاستمداران بیشتری را به خود جذب می‌کند. گفتنی است، مت گالا یک مراسم خیره سالانه مد در نیویورک است که برای حمایت از موزه متروپولیتن برگزار می‌شود و افراد سرشناس هنری، ورزشی، سیاسی، رسانه‌ای و دنیای مد را کنار هم جمع می‌کند.

عکس روز



قلم‌مو را با دقت بی‌سابقه‌ای به سبک شخصی داوینچی نسبت دهند. کاربرد این فناوری به همین‌جا محدود نمی‌شود. ابزارهای یادگیری ماشین اکنون به کمک موزه‌ها و مرم‌تگران آمده‌اند تا تابلوهای آسیب‌دیده را با وفاداری به سبک اصلی بازسازی کنند، بدون آنکه خطی از خود به‌جا بگذارند. به‌گفته پژوهشگران، هدف این فناوری نه داوری که درک عمیق‌تر از میراث بشری بشر است. هوش مصنوعی شاید روح هنر را نشناسد اما گاهی می‌تواند رازهایی را برملا کند که قرن‌ها از نگاه انسان پنهان مانده‌اند.



رازهایی که قلم‌مو نگفت

هوش مصنوعی پرده‌از چهره‌ای ناشناس در یکی از آثار رافائل برداشت

هوش مصنوعی بار دیگر قدرت خود را در رمزگشایی از اسرار تاریخی به رخ کشید. این‌بار نوبت یکی از نقاشی‌های مشهور رافائل سانتی، استاد بلندآوازه رنسانس بود تا زیر ذره‌بین فناوری برود. نقاشی «مدونا دلا رزا» که قدمتی بیش از ۵۰۰ سال دارد، سال‌هاست که توجه منتقدان و مورخان هنر را به خود جلب کرده؛ به‌ویژه به‌خاطر چهره‌ای خاص در گوشه سمت چپ تابلو، سنت جوزف.

از قرن نوزدهم تاکنون بسیاری از کارشناسان بر این باور بودند که این چهره با دیگر اجزای نقاشی همخوانی ندارد و به‌نوعی «وصله ناجور» تابلوی رافائل است. اکنون الگوریتم‌های یادگیری ماشین نیز این گمانه را تقویت کرده‌اند. پژوهشی تازه به رهبری دکتر حسن اوگیل با بهره‌گیری از مدل پیشرفته ResNet۵۰ و ابزارهای تحلیلی شرکت مایکروسافت، این نقاشی را

با دقتی بی‌سابقه بررسی کرده است. محققان با آموزش الگوریتم بر پایه مشخصه‌های منحصر‌به‌فرد آثار رافائل،

این نخستین بار نیست که هوش مصنوعی رد پای خود را در دنیای هنر برجا می‌گذارد. در سال ۲۰۱۹،

پژوهشگران موزه فان گوگ با استفاده از الگوریتم‌های پردازش تصویر، موفق شدند طرحی را از زیر لایه‌های رنگ

یکی از تابلوهای وینسنت ون گوگ بازبایی کنند؛ طرحی که نشان داد نقاش، پیش از رسیدن به ترکیب نهایی، ایده‌ای به کلی متفاوت در سر داشته است. در پرونده‌ای دیگر، محققان دانشگاه آکسفورد با استفاده از هوش مصنوعی و تحلیل الگوهای نوری و سایه‌پردازی، اصالت یکی از تابلوهای

منتسب به داوینچی را تأیید کردند؛ الگوریتم‌ها توانستند ویژگی‌هایی چون نحوه لایه‌گذاری رنگ و مسیر حرکت

«بازی مرکب» برگشت: مرگبار تر، هیجان‌انگیز تر و شاید پر بیننده‌تر!

نتفلیکس دوشنبه‌شب از اولین تریلر فصل سوم و پایانی سریال کراهی «بازی مرکب» (Squid Game) رونمایی کرد؛ فصلی که وعده داده می‌شود خونبار تر و هیجان‌انگیز تر از همیشه باشد. این فصل که هم‌زمان با فصل دوم فیلمبرداری شده، قرار است ۲۷ ژوئن (۶ تیر ۱۴۰۴) منتشر شود. در فصل دوم، شخصیت اصلی داستان «سونگک جی-هون» با بازی ستاره کراهی لی جونگ جائه، سه سال پس از ماجراهای تلخ گذشته به آمریکا می‌رود تا سر از کار گردانندگان مسابقه‌های مرگبار دربیاورد. اما در فصل سوم، شورش او به نتیجه نمی‌رسد و بازی‌های مخوف باز هم ادامه پیدا می‌کنند. فصل اول «بازی مرکب» در سال ۲۰۲۱ به پدیده‌ای جهانی بدل شد و تنها در ۹۱ روز اول، رکورد شکست‌انگیز ۲۶۵.۲ میلیون بیننده را به نام خود ثبت کرد تا به پربیننده‌ترین سریال تاریخ نتفلیکس تبدیل شود. فصل دوم هم بیکار ننشست و با ثبت ۶۸ میلیون بیننده تنها در چهار روز اول پخش، بار دیگر قدرت این سریال را به رخ کشید اما همه این موفقیت‌ها، بهای سنگینی برای خالق سریال داشت. هوانگ دونگ هیوک، نویسنده و کارگردان «بازی مرکب» در گفت‌وگویی با وراپیتی اعتراف کرده بود که بعد از محبوبیت غیرمنتظره فصل اول، به‌شدت فرسوده و خسته شده: «از «بازی مرکب» خسته‌ام. دلم می‌خواهد بروم جزیره‌ای دورافتاده، بدون تماس‌های نتفلیکس.»



پشیمانی ستاره سابق تیم ملی انگلستان از جدایی برای فرزندانم فداکاری می کنم



سفر عنکبوت کوچک از کالتچین تا مادرید

مبارزه با بزرگ ترها شمارا قوی تر می کند

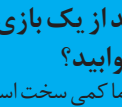
جولیان آلوارز مهاجم تیم ملی آرژانتین که با این تیم قهرمان جام جهانی شد، فصل گذشته را در اتلنتیکو مادرید اسپانیا بازی کرد. او متولد کالتچین آرژانتین در سال ۲۰۰۰ (۲۵ ساله) است. یک فوتبالیست از نسل جدید، با نگاهی مهربان و لیخنندی بزرگ که با گرمی با مردم صحبت و مستقیما به چشم هایشان نگاه می کند. یک آدم عادی که با او صحبت کردن لذت بخش است. در کودکی به او لقب «آرانیا» که به اسپانیایی معنایش «عنکبوت» است را داده بودند. بر خلاف برخی از ستاره های فوتبال او یک کلکسیون کامل از توپ های دوران کودکی اش ندارد: «در روستا توپ های زیادی با برادرهایم داشتیم اما هیچ کدام را نگه نداشتیم (لیخنندی شیرین و نوستالژیک برچهره اش می نشیند، انگار دوران کودکی به یادش می آید). چون آنقدر از آنها استفاده می کردیم خراب می شدند و دیگر نبودند. بادم هست یکی از توپ های مورد علاقه ام برای جام جهانی ۲۰۰۶ بود. مربوط به زمانی که وقتی خیلی کوچک بودم. یک توپ قرمز بود. همیشه با برادرهایم از توپ یاد می کنیم.» او مثل دیگر کودکان آرژانتینی دوران کودکی اش را با بازی کنار برادر بزرگترش گذرانده است: «بازی کردن با بزرگ ترها شما را قوی تر می کند وقتی بچه هستید، بزرگترها از نظر فیزیکی کمی برتری دارند و به همین دلیل مجبورید قوی تر شوید.» لقب «آرانیا» همان جا به او داده شد: حدود سه، چهار ساله بودم و وقتی در خیابان بازی می کردم با این لقب صدا می زدند. چون خیلی ریزنقش بودم، بهم می گفتن آرانیا یی کوچک و جالب است وقتی من را جولیان صدا می زدند، بر نمی گشتم (می خندد) چون من نبودم! / منبع: آاس

در اردوها چطور سرگرم می شوید؟
جای ماته با دوستان. (ماته، جای مخصوص آمریکای جنوبی و کشور آرژانتین است.)



قبل از بازی ها چه موسیقی می شنوید؟
کوتبیا (ریتم موسیقی محلی کشور کلمبیا و سراسر آمریکای جنوبی)

یک مکان برای گم شدن؟
دهکدام (کالتچین).



آیا بعد از یک بازی می خوابید؟
گاهی اما کمی سخت است.

گلی که بیشتر از همه دیده اید؟
گلی که با ریورپلات به بوکاجونیورز زدیم (۲۰۲۱).



اگر فوتبالیست نمی شدید، چه کاره می شدید؟
معلم ورزش



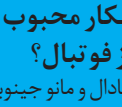
غذای مورد علاقه؟
آسادو (غذای سنتی کشور آرژانتین)



کدام هم تیمی از نظر تیپ بهتر است؟
پابلو باربوس



بهترین دوست در تیم؟
رودریگو دی پائول



ورزشکار محبوب شما غیر از فوتبال؟
رافائل نادال و مانو جینیوبیلی.



تفریح؟
پدل.



فیلم یا سریال؟
سریال فرار از زندان



گواردیولا و سیمثونه
یک نابغه



و مسی...
بدون پاسخ



❌ تاتو دارید؟

نه.

❌ آیا هیچ وقت از آدم مشهوری امضا گرفتید؟

وقتی بچه بودیم، فرصت داشتیم بازیکنان تیم ملی را ملاقات کنیم و در آن زمان از بازیکنان تیم ملی امضا می گرفتیم.

❌ اتلنتیکو...

خانواده



مستطیل سبز

پسر کریستیانو به تیم ملی دعوت شد

حالا پر تغال دو رونالدو دارد

کریستیانو رونالدو جونیور در فوتبال همچنان راه پدرش را دنبال می کند. تیم ملی پر تغال اکنون یک کریستیانو رونالدوی دیگر دارد. پسر «سی آر سون» برای اولین بار به تیم ملی پر تغال در رده سنی زیر ۱۵ سال دعوت شده و به این ترتیب در مسیر پدرش قدم گذاشته است. این لحظه تاریخی توسط خود کریستیانو رونالدو با جشن گرفتن در شبکه های اجتماعی اش اعلام شد. کریستیانو جونیور در بین بازیکنانی است که برای شرکت در تورنمنت بین المللی ولتکو مار کوچی در کرواسی، از ۱۳ تا ۱۸ مه دعوت شده است. اولین حریف او در این مسابقات ژاپن خواهد بود و پس از آن با یونان و انگلیس بازی خواهد کرد. پسر کریستیانو در تیم های رده سنی پایین تر باشگاه النصر بازی می کند و همیشه در مسیر پدرش قدم برداشته است. او همچنین در رده های سنی پایین تر یوونتوس و منچستر یونایتد بازی کرده است. در یک مورد بسیار نادر، پدر و پسر همزمان به تیم های ملی دعوت شده اند. کریستیانو رونالدو در تیم ملی بزرگسالان با هدف مشخص حضور در جام جهانی ۲۰۲۶، و پسرش در تیم ملی زیر ۱۵ سال.

مادر بزرگش، دولورس آویرو، همچنین پیام تبریکی به رونالدو جونیور ارسال کرد: «بسیار به پسرم افتخار می کنم که راه پدرش را دنبال کرده و نماینده تیم ملی ماست. مادر بزرگ آنجا خواهد بود تا از تو حمایت کند. باعث افتخاری.»

رئیس اتحادیه فوتبال اروپا

زیر ساخت های فوتبال ایتالیا وحشتناک است



الکساندر چفرین، رئیس اتحادیه فوتبال اروپا (یوفا)، زیرساخت های فوتبال ایتالیا را وحشتناک و بدترین در میان پنج لیگ بزرگ فوتبال اروپا توصیف کرد. او در مصاحبه ای با شبکه اسپورت مدیاست ایتالیا که روز سه شنبه منتشر شد، در پاسخ به پرسشی درباره رد درخواست ورزشگاه سن سیرو برای میزبانی فینال لیگ قهرمانان اروپا و بحث ها درباره ساخت ورزشگاه جدیدی در میلان، گفت: «زیرساخت های فوتبال در ایتالیا شرم آور است. شما یکی از قدرت های بزرگ فوتبال هستید، جام های جهانی زیادی برده اید، جام ملت های اروپا و لیگ قهرمانان اروپا را فتح کرده اید. با این حال، در میان کشورهای بزرگ فوتبال، بدترین زیرساخت ها را دارید.» این اسلوونیایی افزود: «صادقانه بگویم، از این بحث های همیشگی درباره زیرساخت در ایتالیا خسته شده ام، چون فقط حرف است. باشگاه ها نیاز به حمایت دولت و مقامات محلی دارند. سرمایه گذاران خصوصی نیز آماده سرمایه گذاری هستند. زمان آن رسیده که کاری انجام شود، چون وضعیت زیرساخت ها واقعا بسیار بد است.» قرار است ورزشگاه سن سیرو در میلان میزبان مراسم افتتاحیه المپیک زمستانی ۲۰۲۶ در ماه فوریه باشد. همچنین، ایتالیا به همراه ترکیه میزبان جام ملت های اروپا ۲۰۳۲ خواهد بود. چفرین در ادامه گفت: «در حال حاضر نگران یورو ۲۰۳۲ نیستم. فکر می کنم دولت اکنون متوجه شده که باید کاری انجام دهد. اعتماد زیادی به معاون اولم، گابریله گراوینا، دارم. او تمام تلاشش را خواهد کرد تا این فاصله را جبران کند.»

دنیای ورزش

تصادف خونین ۱۱ موتورسیکلت

مرگ در پیست



دو موتورسوار به نام های اوون جینر و شین ریچاردسون، در پی تصادفی که ۱۱ موتورسیکلت در آغاز یک مسابقه با هم داشتند، جان خود را از دست دادند. این مسابقه روز دوشنبه برگزار شد. توم نوستنسال ۴۷ ساله به دلیل آسیب های شدید در ناحیه کمر و شکم به بیمارستان منتقل شد. همچنین پنج موتورسوار دیگر نیز به دلیل جراحات سطحی به مرکز پزشکی پیست واقع در شمال انگلستان انتقال یافتند. مسابقه بلافاصله پس از وقوع این سانحه زنجیره ای در خروجی پیچ اول دور افتتاحیه، متوقف شد و در ادامه نیز این رقابت که بخشی از قهرمانی موتورسیکلت سواری بریتانیا بود، لغو شد. بنا بر گزارش ها موتورسوار ۲۱ ساله بریتانیایی، ابتدا در کنار پیست تحت درمان قرار گرفت. اما پس از انتقال به مرکز پزشکی پیست، به دلیل آسیب شدید به سر جان باخت. شین ریچاردسون، موتورسوار ۲۹ ساله نیوزیلندی، نیز ابتدا در کنار پیست و سپس در مرکز پزشکی تحت مداوا قرار گرفت اما بر اثر آسیب شدید به ناحیه قفسه سینه، پیش از رسیدن به بیمارستان دانشگاهی رویال استوک، درگذشت. برگزارکننده مسابقات اعلام کرد که این نهاد به همراه شورای مسابقات موتورسیکلت سواری، در همکاری با پزشکی قانونی و پلیس، تحقیقات خود را درباره این حادثه آغاز کرده اند.

مرگ لوئیس گالوان هم تیمی مارادونا

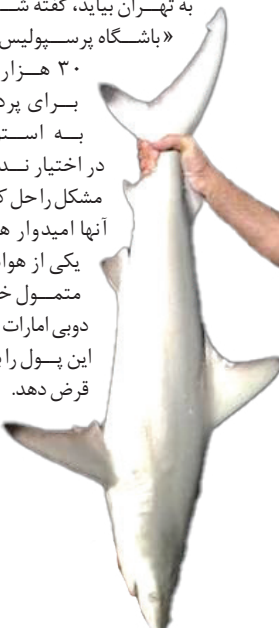
همبازی دون دیه گو به او پیوست

لوئیس گالوان، مدافع آرژانتینی قهرمان جام جهانی ۱۹۷۸، در سن ۷۷ سالگی درگذشت. این خبر را فدراسیون فوتبال آرژانتین روز دوشنبه اعلام کرد. گالوان چند هفته در بیمارستانی در کوردوبا بستری بود و به دلیل عفونت کلیه تحت درمان قرار داشت اما سرانجام بر اثر عوارض بیماری درگذشت. فدراسیون فوتبال آرژانتین نوشت: «به نمایندگی از کلودیو تاپیا، رئیس فدراسیون و کمیته اجرایی، مرگ لوئیس گالوان، قهرمان جام جهانی ۱۹۷۸ را تسلیت می گوئیم.» گالوان در سال ۱۹۴۸ در شهر فرناندس (شمال آرژانتین) متولد شد و در ترکیب تیم ملی آرژانتین که در سال ۱۹۷۸ با ستاره هایی مانند دانیل پاسارلا، ماریو کمیس و دروازهبان اوبالدو «باتو» فیوول به قهرمانی جام جهانی در خانه رسید، به عنوان مدافع بازی کرد. او بین سال های ۱۹۷۵ تا ۱۹۸۲ در ۳۷ بازی بین المللی برای تیم ملی آرژانتین به میدان رفت و در جام جهانی ۱۹۸۲ اسپانیایی نیز حضور داشت. در سطح باشگاهی، مهم ترین فصل های دوران حرفه ای او با تالییرس کوردوبا بود، جایی که به یک نماد تبدیل شد و با ۵۰۲ بازی، رکورددار بیشترین تعداد حضور برای این باشگاه است.

رسانه ای شد، حتی هواداران استقلال را مقابل وزارت ورزش و جوانان کشانند تا نسبت به این موضوع اعتراض کنند.

اولین اخبار از هوادار متمول

شاید اواسط دهه ۹۰ بود که نام این هوادار متمول جسته و گریخته شنیده می شد. در سال ۹۶ که پرسپولیس برای برگزاری اردو به دوی رفته بود، این خبر منتشر شد که تمام هزینه اردوی دویی تیم را یک هوادار متمول داده است. دو سال بعد زمانی که انژونی استوکس در دویی در انتظار دریافت ۳۰ هزار دلار باقیمانده اش بود تا به تهران بیاید، گفته شد که: «باشگاه پرسپولیس نیز ۳۰ هزار دلار برای پرداخت به استوکس در اختیار ندارد تا مشکل را حل کند اما آنها امیدوار هستند یکی از هواداران متمول خود در دویی امارات بتواند این پول را به آنها قرض دهد.



نقش محمد یوسفی هوادار ثروتمند در حواشی پرسپولیس

مردی که با پول هایش رویا می خرد

سروش رفیعی دوشنبه شب به برنامه «فوتبال برتر» تلویزیون آمده بود: نه برای صحبت از قهرمانی که پرسپولیس تمام جام های ممکن را از دست داده است. او آمده بود تا با رفع ابهامات به نوعی دست به اتهام زایی بزند. اتهاماتی که طی دست کم یک سال اخیر این ستاره تکنیکی پرسپولیس را در کانون انتقادات و حواشی قرار داده است.

یک هوادار ثروتمند

بخش اعظم سوالات از شماره ۷ پرسپولیس، به هوادار متمول باشگاه مربوط می شد. محمد یوسفی کسی است که طی چند سال اخیر ناگهان نامش مطرح شده؛ محمد یوسفی اهل بندرلنگه که در امضات متحده عربی صرافی دارد. کسی که می گویند عاشق پرسپولیس است و هزینه زیادی را برای این تیم انجام می دهد: «تا جایی که من این شخص را می شناسم به نظر هم مدیرعاملی که به باشگاه پرسپولیس می آید، به خاطر این شخص می آید. این شخص عاشق است. تیمش نتیجه نگیرد شاید به من فحش هم بدهد. او عاشق است.» این حرف های علیرضا بیرانوند است که در مهرماه ۱۴۰۲ در مصاحبه ای درباره هوادار پرسپولیس انجام داد. گفته می شود این هوادار متمول دستگاه های فیزیوتراپی و حتی داروهای مورد نیاز تیم را تهیه می کند، در خبرها هست که مدت



صاحب امتیاز و مدیر مسئول: شرکت هفت صبح ماندگار
سرودبیر: افشین امیرشاهی
مدیر هنری و وحید غفاری، دبیر اقتصادی: مهدی خاکی فیروز
دبیر فرهنگ و هنر: عسل آذر پور، دبیر ورزش: امید ذاکری نیا

دبیر حوادث: فاطمه شیخ علیزاده، دبیر جامعه: مهدی علیپور
دبیر صفحه آخر: زینب کاظم خواه، دبیر سیاسی: بابک نبی
دبیر بین الملل: رامتین لطیفی، ویراستار: فرزانه اختیاری و مرتضی کللبی

هفت صبح

پازنشر مطالب روزنامه هفت صبح صرفا با
اجازه کتبی مجاز است، در غیر این صورت
ممنوع وقابل پیگیری قانونی است

pr@7sobh.com
www.7sobh.com

کد پستی ۱۹۸۸۶۴۳۵۱
شماره پیامک: ۰۹۲۰۰۱۷۰۷
توزیع: دنیای اقتصاد تابان | چاپ: جام جم
اذان صبح: ۰۳:۳۰ | طلوع آفتاب: ۰۵:۰۶ | اذان ظهر: ۱۲:۰۰ | غروب آفتاب: ۱۸:۵۵ | اذان مغرب: ۱۹:۱۵

یادداشت

این هم شد مطالعه؟

علی مسعودی نیا

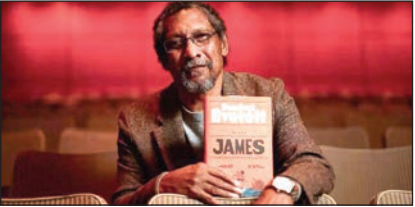
روزنامه‌نگار

خب راستش اگر حمل بر ادا و خفن‌نمایی و این حرف‌ها نشود، باید بگویم من شیفته خواندن کتابم. می‌توانم ساعاتی ممتد و مدید را به خواندن اختصاص دهم بی آنکه خسته شوم یا رخساده‌های پیرامونم اختلالی در تمرکزم ایجاد کنند(البته این چندان خصلت خوبی نیست و گاهی آدم را از برخی کارهای ضروری زندگی و واکنش‌های به‌وقت و بجا‌بازی می‌دارد. اما دیگر کاری است که شده). باری، این است که اصلا به هر چه به کتاب و کتاب‌خوانی مربوط است حساسیت بیمارگونه دارم. خصلت دیگرم هم اینکه چندان اهل گوش دادن به پادکست نیستم. حالا در پیوند این دو خصلت خجسته یا ناخجسته، مدتی است که دهنم در گیر پرسشی شده و دیدم نزدیک نمايشگاه کتاب هم هست و می‌شود قدری بلندبلند فکر کرد. در مواجهه نامنظم و معمولا تصادفیم با چند پادکست و همچنین در اپ‌های کتاب صوتی و الکترونیکی، متوجه شدم که ژانری در عرصه کتاب رونق گرفته که یک نفر می‌آید و خلاصه‌تانی را برای جماعت تعریف می‌کند؛ با چیزی هست به نام «کپسول» که نسخه فشرده‌ای از یک کتاب را خیلی شیک و مجلسی و آراسته به صدای خوش و قطعات گوش‌نواز موسیقی برای شنودگان احتمالی اجرا می‌کند. مدتی عنوان‌ها را مرور کردم و دیدم نه، اکثرشان کتاب‌هایی نیستند که بگویی کتش با خلاصه‌اش توفیری ندارد. بسیاری از این کتاب‌ها ادبیات یا کتاب‌های جریان‌ساز علوم انسانی هستند و اصلا خلق شده‌اند برای آن‌ها که اهل مطالعه دقیق و عمیق هستند و پیچش و مو اشارت‌های ابرو را درمی‌یابند. پرسشی که شروع کرد به وول خوردن تنوی دهنم این بود که چنین کاری را می‌شود ستود یا باید علیه آن به آگاه‌سازی پرداخت؟ از طرفی بسیاری هستند که میلی به خواندن ندارند و کاهلند در این امر و راحت‌طلبی هم که خصلت جهان امروز است. این است که

خب می‌شود گفت شنیدن چنین خلاصه‌ها و کپسول‌هایی باز از هیچ بهتر است. طرف که هرگز ممکن نبوده کتابی بخرد و بخواند و مطالعه در زندگی‌اش جایی نداشته، این‌طوری شاید چهار تا نکته یاد بگیرد و چهار تاقصه بشنود و دهنش بازتر و آرموده‌تر شود و حتی بعید نیست همین خلاصه‌ها ترغیبش کند به کتاب‌خوانی و چه بهتر از این؟ مگر مدام در شک‌و نیستیم از شرایط کلی فرهنگ و پایین بودن سرانه مطالعه و قلابن و بهمان؟ اما قدری که دقیق‌تر بشدم در ماجرا، دیدم مشکل بزرگی وجود دارد. کتابی که این بلا سرش می‌آید اصلا بط چندانیه که کتاب اصلی ندارد. اگر اثر ادبی باشد که ادبیات و زیبایی‌شناسی و فرمش از بیخ فروپاشیده و اگر علوم انسانی باشد، فرو کاسته شده به چند سخن نغز و برداشت‌های کلی و گاهی نادرست. یعنی کتاب‌خوان محترمی که این محتوا را تولید کرده، خودش ماجرا را درست نفهمیده و محصولش هم ناشی از یک درک عمیق و مطالعه دقیق نیست. سرستی‌ترین شکل ارائه است. بعد هم کتاب برای خودش شاکله دارد، نثر و بلاغت دارد، ظرایف و لطایف دارد، شبکه معنایی دارد. اگر قرار باشد تمامی اینها از دست برود که فایده‌اش چیست؟ درست‌مثل این است که جای دین و یک فیلم سینمایی اکتفا کنیم به خواندن خلاصه داستانش و کل ظرافت‌های بصری و کارگردانی و بازیگری و موسیقی و نشانه‌شناسی و تدوین و فیلمبرداری را از دست بدهیم. بدترش اینکه تازگی‌ها دیده‌ام بسیاری از شنودگان با همین شیوه مطالعه دچار وهم سواد و فرهیختگی شده‌اند. یعنی انگار باورشان شده که اصل اثر را خوانده‌اند. پرسشم را خلاصه کنم و مقال را ببندم: آیا جای نگرانی نیست؟ اگر جای نگرانی باشد، چه‌ارهی برای این وضعیت هست؟

از گوشه و کنار دنیا

برندگان پولیتزر معرفی شوند



پرسیوال اورت برای نگارش بیست‌وچهارمین رمانش با عنوان «جیمز» برنده جایزه پولیتزر ادبیات داستانی ۲۰۲۵ شد.این رمان بازآفرینی او از «ماجراهای هاکلبری فین» که از دیدگاه شخصیت برده داستان روایت شده است. رمان «جیمز» پاسخی از این جایزه ملی کتاب و مدال کارنگی برای ادبیات داستانی را نیز به خود اختصاص داده بود. رمان «تحریف» نوشته «اورت» که در سال ۲۰۰۱ منتشر شد، منبع اقتباس فیلم نامزد اسکار «داستان آمریکایی» در سال ۲۰۲۳ بود.

در بیانیه جایزه پولیتزر، «جیمز» به‌عنوان «بازنگری استادانه» توصیف شده که «پوچی بر تری نژادی را نشان می‌دهد و نگاهی نو به جست‌وجوی خانواده و آزادی ارائه می‌دهد.» نمایشنامه «هدف» نوشته برندن «جیکوبس»-جنکینز» که درامی خانوادگی درباره خانواده‌ای موفق و سیاه‌پوست است که از درون خود را نابود می‌کند، نیز جایزه بخش نمایشنامه را از آن خود کرد.

همچنین جیسون رابر-تز برنده جایزه زندگی‌نامه برای کتاب «هر موجود زنده: مسابقه بزرگ و مرگبار برای شناخت تمام حیات» شده و کتاب «به افتخار هدف مایوسانه ما: زندگی‌های گوناگون جنبش ناراضیان شوروی» نوشته بنجامین ناتانز نیز در بخش غیرداستانی مورد تقدیر قرار گرفته است. در بخش تاریخ، دو کتاب به عنوان برندگان معرفی شدند؛ کمپی: هریت تابین، حمله رودخانه کومبی و آزادی سیاه‌پوستان در دوران جنگ داخلی» نوشته ادا ال. فیلدز-بلیک، و «ملت‌های بومی: یک هزاره در آمریکای شمالی» اثر کتلین دووال. کتاب «شعار جدید و برگزیده» اثر ماری هو نیز برنده جایزه شعر شد و اثر «جزایر آسمانی» ساخته سوزی ایبارا، اهنگساز و نوازنده سازهای کوبه‌ای که از زیست‌بوم‌های بارانی در فیلیپین الهام گرفته، برنده جایزه پولیتزر موسیقی شد.

که چرا کتاب نمی‌خونه.
اگه راست می‌گی چرا هر وقت

درباره کتاب‌ها ت ازت می‌پرسم.
می‌گی یادم رفته؟»
همه‌شان کیف کرده‌اند و گوشی‌ها را گذاشته‌اند زمین و زیر جلکی می‌خندند.
شنیده می‌گیرم و می‌گویم قبول دارم این یک کلک پدانه زشت بوده که از سر بازش کنم چون حوصله نداشته‌ام جواب بدهم.
می‌گوید: «پس بیا بگو اون کتاب جاسوسیته تپش چی می‌شه؟»
برایش تعریف می‌کنم که آن کتاب جاسوسی نبوده و هکری بوده و اودارد اسنودن هم الان روسیه است و تمام.

می‌گوید: «وقتی حوصله نداری لابد تر ترجمه‌ها ت هم همینجوری‌ان.
پیو ووسطش دروغکی به قصای قاطلی می‌کنی بامزه بشه.»
بهش می‌گویم که این کار هیچ هم اشکالی ندارد و من اصلا ذبیح‌الله منصوری بزرگ را می‌پرستم و از آن طرف چاکر حسینیقلی مستعان هم هستم.
می‌گوید: «همون عکس‌های دیوار اتاق؟ آقاهه تپله با اون یکی که خودنویس دستشه؟»
می‌گویم بله و یکی از آنها صایدش در می‌آید: «واسه همین وقتی ترجمه می‌کنین وسطاش گاهی می‌خندین؟»
دوست دارم

اندر مصائب بچه زبان‌دراز

اتاق چنان ساکت است که انگار نه انگار چهار تا بچه بیست و چند ساله توی آن هستند. می‌آیم توی اتاق و می‌بینم همه‌شان سرشان توی گوشی‌هاست و دلم می‌گیرد. می‌گویم بچه‌ها شماها توی این سن و سال الان باید توی سرورکله هم می‌زدید. خجالت نمی‌کشید؟ حرف زدن یادتان رفته؟ کاش اقلکم یک نفر تان کتاب دستش بود. که یکدفعه ستاره در می‌آید: «تو که خودت اصلا کتاب نمی‌خونی.»
می‌گویم چرا و من دارم تمام روز کتاب می‌خوانم که می‌گوید: «نه. تو همه‌اش داری ترجمه می‌کنی. کتاب که نمی‌خونی.»
بادم خالی شده ولی خودم را از تک و تا نمی‌اندازم و زبان می‌گیرم که ترجمه عین مطالعه است و تازه یک نویسنده‌ای که اسمش یادم رفته هم گفته که بهترین شکل مطالعه یک کتاب ترجمه کردنش است. می‌فرمایند: «بی‌خودی گفته. اون مثل تو بوده هی الکی چاچان می‌کرده کسی کارش نداشته باشه

زنان شگفت‌انگیز

اولین جراح زن ایرانی

در تاریخ پزشکی ایران، نامی درخشید که نشان‌دهنده تعهد و تلاش بی‌وقفه برای رفاه مردم بود: دکتر سکینه پری. البته در تاریخ مردانه ایران نام او گم شده است، نه خبری از مصاحبه با اوست- نه اطلاعات چندانی. اندک اطلاعات در دسترس از او هم روایات متناقضی دارد؛ بر اساس دو روایت او یا در سال ۱۲۷۷ شمسی براساس تاریخ تولد ثبت شده بر سنگ مزارش یا بر اساس برخی منابع دیگر- در سال ۱۲۸۱ در امپراتوری روسیه از خانواده‌ای ارمنی- ایرانی متولد شد. البته درباره محل تولدش باز هم دو روایت وجود دارد، برخی منابع محل تولد او را همدان نوشته‌اند. پدرش از اهالی همدان و مادرش ارمنی بود.

او در شهر آسترخان تحصیل کرد و در ۲۶ سالگی مدرک پزشکی عمومی‌اش را گرفت و بعد پنج سال در رشته تخصصی سرطان‌شناسی در مسکو تحصیل کرد. بعد

عکس روز



<

بانک «نشا برنج» که با هدف آماده کردن بذر نشای برنج برای شالیکاران، در شهرستان سوادکوه در استان مازندران فعال شده، مجموعه‌ای است که با استفاده از فضا، امکانات و نیروی کار محدود، دو قابلیت تولید صنعتی نشا برنج را در سطح گسترده دارد. نشاهای برنج در این بانک با حداقل بذر و آبیاری تولید می‌شوند. ایستا

غیبت کنید تا سالم بمایند

به گفته متخصصان، غیبت کردن به تخلیه

و تنظیم عاطفی کمک می‌کند



غیبت کردن وجهه بدی پیدا کرده است اما متخصصان روانشناسی می‌گویند این کار درواقع می‌تواند برای سلامت روان ما مفید باشد. به گفته نیا گالاگر، روانشناس و مدیر برنامه‌های سلامت در مرکز سلامت لانگتون دانشگاه نیویورک، این فعالیت می‌تواند به «معنا بخشیدن به جهان و موقعیت‌های ما» کمک کند. گالاگر خاطرنشان کرد غیبت کردن می‌تواند از نظر اخلاقی رفتارهای خاص دیگران مفید باشد تا افراد بتوانند از خود محافظت کنند. یا اگر کسی با چیزی دست و پنجه نرم می‌کند، مانند والدین بیمار، در واقع می‌تواند به ما مهدلی بیشتری بدهد تا بتوانیم دلسوزتر باشیم.

از سوی دیگر، غیبت کردن همچنین می‌تواند به افراد کمک کند تا قبل از واکنش نشان دادن، احساسات خود را پردازش کنند. اگر از دست یک دوست آزرده خاطر هستید و با دوست دیگری در مورد آن صحبت می‌کنید، ممکن است بعد از اینکه آن را با کسی در میان گذاشتید، بتوانید موقعیت را واضح‌تر ببینید. به گفته این متخصص، این فعالیت همچنین حس پیوند و ارتباط با دیگران را القا می‌کند. ارتباط انسانی از طریق اطلاعات و ارتباطات مشترک، هسته اصلی هویت ماست و ما را به یکدیگر متصل می‌کند. وقتی بدانیم که آنها اطلاعات خود را به ما می‌گویند و برعکس، ممکن است به کسی احساس نزدیکی بیشتری کنیم. اما باید در این باره احتیاط به خرج داد، مراقب باشید که با اطلاعات کم، عجولانه نتیجه‌گیری نکنید.

مدد کار اپرامین، مدد کار اجتماعی بالینی دارای مجوز در لس آنجلس، نیز در مورد تأثیر شایعه‌پراکنی بر سلامت روان اظهار نظر کرد و خاطرنشان کرد که این کار «ذاتاً منفی» تلقی می‌شود.

مطالعه نشان می‌دهد که استرس و اضطراب را می‌توان به مرور زمان به یک روش کلیدی کاهش داد.

اما غیبت کردن همچنین می‌تواند به عنوان نوعی تخلیه یا تنظیم عاطفی عمل کند. اگر کسی مورد ظلم قرار گرفته یا از یک تعامل اجتماعی احساس سردرگمی می‌کند، بحث در مورد آن با یک دوست به او کمک می‌کند تا آنچه را اتفاق افتاده پردازش کند، اعتبار کسب کند و به طور بالقوه تجربه را دوباره شکل دهد. اگر کسی احساس تنهایی، غم، طرد شدن یا بدرفتاری می‌کند، غیبت کردن با دیگران می‌تواند نوعی دلسوزی ایجاد کند که به کاهش برخی از این احساسات کمک می‌کند. تأثیرات منفی بالقوه

کارشناسان همچنین هشدار دادند که غیبت کردن گاهی اوقات می‌تواند نتیجه معکوس داشته باشد. ممکن است مردم اعتماد خود را به فردی که غیبت می‌کند از دست بدهند، زیرا این باور می‌تواند وجود داشته باشد که اگر این فرد در مورد دیگران غیبت می‌کند، احتمالاً در مورد شما هم غیبت خواهد کرد.

این رفتار معمولاً می‌تواند احساساتی مانند خشم و رنجش را تداوم بخشد. هر چه فرد خارج از این احساسات بیشتر درگیر این رفتارها شود، سطح استرس بالاتری را متحمل می‌شود – و اگر بیش از حد انجام شود، این رفتار در واقع می‌تواند آنها را از دیگران جدا تا اینکه آنها را به هم نزدیک کند.

غیبت در محل کار

بررسی اخیر شایعات اداری لایو کریر از هزار کارمند آمریکایی نشان داد که بازار غیبت در محل کار داغ است، زیرا ۵۸ درصد از کارمندان گزارش داده‌اند که به‌طور هفتگی شاهد آن هستند و از هر سه نفر، یک نفر روزانه آن را می‌شنود.

۴۷ درصد از پاسخ‌دهندگان گفتند که غیبت‌های اداری باعث ایجاد «تنش و بی‌اعتمادی» می‌شود. همین در صد گفتند که به هیچ کس در محل کار با اطلاعات محرمانه اعتماد ندارند.

این نظرسنجی همچنین نشان داد که ۴۳ درصد از پاسخ‌دهندگان موضوع شایعات محل کار بوده‌اند و ۲۰ درصد به انتشار شایعاتی اعتراف کردند که بعداً معلوم شد دروغ بوده‌اند. غیبت و شایعه‌پراکنی تأثیر مستقیمی بر حال و هوای محیط کار دارد. اعتماد بین همکاران را از بین می‌برد و می‌تواند به سرعت منجر به شروع یک محیط کاری سمی شود. با این حال عمدتاً مهم است که مطمئن شوید پشت سر حرف زدم از روی بدخواهی نباشد. چرا که غیبت‌ها و شایعه‌پراکنی منفی مزمن می‌تواند باعث استرس شود و بر سلامت روان تأثیر بگذارد.

شایعات در محل کار می‌تواند مشکل‌ساز و گاهی اوقات تهدیدکننده شغل باشد – به‌ویژه اگر به عنوان تهمت تلقی شود یا به اعتبار فرد آسیب برساند.